



انترناسیونال

۱۸۹

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۷ اردیبهشت ۱۳۸۶، ۲۷ آوریل ۲۰۰۷

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدیبر: محسن ابراهیمی

پیام حمید تقوائی به مناسبت اول مه روز جهانی کارگر، روز پیا خاستن سوسیالیسم علیه تبعیض!

صفحه ۴

یکشنبه ۹ اردیبهشت،

با گل به استقبال اعتصاب عمومی معلمان برویم

صفحه ۱۲



صحنه هایی از مقاومت زنان در مقابل یورش حکومت اسلامی برای تحمیل حجاب

حجاب را دور بیندازید

فقط چند روز پس از آغاز دور جدید یورش رژیم به زنان و جوانان، اختلاف در میان بالاترین مقامات حکومت به رسانه ها کشیده شده و شکست حکومت نمایان شده است. به نیروی انتظامی انتقاد میکنند که نباید دخالت میکرد، برخی گفتند با دخالت نیروی انتظامی و برخورد خشن به جوانان، اعتماد به نظام کمتر میشود، تعدادی از نمایندگان مجلس از وضعیت خطرناک حکومت صحبت کردند، یکی گفت مسائل مهمتری در کشور داریم، وزیر ارشاد رسانه های مجاز و خودی را تهدید کرد که اگر هماهنگ با دولت علیه بدحجابی حرکت نکنند، با آنها با اقتدار برخورد خواهد شد و نماینده ای در پاسخ به او گفت که تهدید رسانه ها ناشی از ناتوانی در پاسخ به انتقاداتی است که از بطن جامعه برخاسته است و بالاخره رئیس قوه قضائیه گفت کشاندن دختران و پسران جوان به کلاتری ها فقط ضرر اجتماعی دارد.

میگویند اسبها در سربلانی همدیگر را گاز میگیرند. حکومت اسلامی نیز مدتها است دارد از سربلانی بالا میبرد و روزبروز کارش سخت تر میشود. اعتصابات کارگری گسترده است، اعتراضات دانشجویی هرروز وسیعتر و پر دامنه تر میشود، اعتراضات ممتد، سراسری و قدرتمند معلمان جامعه را تکان داده است، و به این مجموعه شورشهای شهری را نیز باید اضافه کرد. در چنین شرایطی، رژیم میخواهد با میلیونها جوان دختر و پسر نیز مقابله کند. این يك

صفحه ۳

و سرود انترناسیونال
به دنیا آمد!
جمشید هادیان

صفحه ۹

به دانشجویان سراسر کشور

نهم اردیبهشت کلاس ها را تعطیل کنید!

صفحه ۱۰



مصطفی صابر

امروز نامید. يك نبرد و جنگ در ابعاد اجتماعی در این جامعه
صفحه ۲

کنگره ۶ حزب ۴ سؤال از کاظم نیکخواه و مصطفی صابر

کاظم نیکخواه: جامعه ایران را شاید بتوان پرجوش ترین و پرتنهاب ترین جامعه در دنیای

توجه به این شرایط اهمیت سیاسی کنگره ۶ در رابطه با اوضاع داخلی ایران چیست؟



کاظم نیکخواه

انترناسیونال: کنگره ۶ حزب کمونیست کارگری در چه شرایطی سیاسی ایران برگزار میشود؟ با

کنگره ۶ حزب در ماه مه برگزار میشود

صفحه ۱۱

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جریان دارد. جنگی میان مردم تشنه آزادی و زندگی ای انسانی و مطابق با پیشروترین دستاوردهای بشر امروزی، با یک دیکتاتوری مذهبی بغایت عقب مانده و افراطی، ضد انسانی، و حافظ سرمایه داری وحشی و چپاولگر و بی مهار! در یکی دوسال اخیر توازن آشکارا به نفع مردم چرخیده است. خیلی چیزها را مردم در دل این مبارزه به این حکومت تحمیل کرده اند. مبارزه و تجمع و اعتراض ممنوع است، اما روزی نیست که شاهد چندین و چند مورد اعتراض و تجمع و مبارزه نباشیم. اعتصاب ممنوع است اما کارگر دارد هرروز اعتصاب میکند. تشکل خارج از اجازه دولت ممنوع است اما تشکلهای مستقل از دولت و ایادیش رسماً و با نام و نشان دارند یکی یکی اعلام موجودیت میکنند. نمیدانم آیا میشود یک روز را در یک سال گذشته پیدا کرد که در آن اعتراض و تجمع و مبارزه ای توسط کارگران، دانشجویان، زنان، معلمان و یا بخشهای دیگر مردم صورت نگرفته باشد؟ اما روزهای بسیاری را میتوان نشان داد که در آن در چندین کارخانه یا چندین دانشگاه و چندین شهر بطور همزمان اعتراضات جمعی جریان دارد. نمونه اش همین روزهای اخیر است که کارگران و دانشجویان و معلمان و زنان همزمان دارند جمع میشوند و اعتراض و اعتصاب و مبارزه میکنند. شخصاً جای دیگری را در جهان سراغ ندارم که اینهمه پر از جوش و مبارزه و اعتراض باشد. و ای کاش سراغ داشتیم و همه جا اینچنین بود!

همه اینها علیرغم فقر و فلاکت جانکاه و غیر قابل تحملی است که به بخش اعظم مردم و بویژه کارگران در ایران تحمیل کرده اند که باعث شده است خیلی ها تلاش زنده ماندن و تهیه نان شب به مفهوم دقیق کلمه، تمام انرژیشان را بگیرد و نای و نفس و فرصتی برای فکر کردن به امور بزرگتر و آرزوهای والاتر و آینده بهتر باقی نماند.

و یک نکته بسیار مهم دیگر اینست که در این مبارزات و اعتراضات، نگاه و افق و پرچم چپ (اگر نگویم غالب است) اما دست بالا را دارد. این مبارزات یا جنبش وسیع اعتراضی و حق طلبانه همانگونه که منطقاً هم انتظار میرفت به سرعت از آمال و خواستها و برنامه های احزاب و جریانات

رنگارنگ بورژوازی دور میشود. امروز را اگر با چهار سال و پنج سال پیش مقایسه کنید متوجه میشوید که "ناسیونالیسم" و "فدرالیسم" و "فرانودم در جمهوری اسلامی" و "اصلاحات حکومتی" و امثال اینها به همراه قهرمانان و سخنگویانش به حاشیه رانده شده اند. امروز کارگرسکان تداوم مبارزه و حفظ فضای اعتراضی را در دست دارد. بحث تشکل و حق اعتصاب و آزادی بیان و منزلت انسان و برابری و اینهاست که بحث های محوری این مبارزه را تشکیل میدهد. اول مه و هشت مارس و ۱۶ آذر سرخ شاخص این جنبش امروزی در ایران است. این یعنی دست بالا پیدا کردن چپ!

و این چپ یک چپ سنتی و علی العموم که به مفهومی که تا کنون در دنیا شناخته میشده نیست. یک چپ متأثر از تجربه بلوک شرق و بدهکار فروپاشیدن آن بلوک نیست. چپی است متفاوت، چپ کمونیست. با اعتماد بنفس، کارگری، و انقلابی و مدعی قدرت. این چپ با حزب کمونیست کارگری چپ را حزب کمونیست کارگری و تمام بحثها و مبارزات و تجربیاتش نمایندگی و تعیین میکند. این هم یکی دیگر از جنبه های نادر جامعه ایران است که منحصر بفرود است. حضور و وجود یک حزب کمونیست کارگری قدرتمند و شفاف و مدعی قدرت!

کنگره ششم حزب در دل این فضا تشکیل میشود و شاخصی بر این فضاست و از این نظر واقعه ای از نظر سیاسی بسیار مهم است. این کنگره ای است که باید بتواند این فاز مهم در جامعه ایران را نمایندگی کند و چشم انداز پیروزی کارگران و مردم، امید خلاصی مردم از جهنم موجود و پژواک و افق برپایی دنیایی بهتر را به یک فاکتور عینی و وسیع در ایران تبدیل کند. جنبش اعتراضی و مبارزاتی وسیع و گسترده در جامعه امروز ایران به افق سوسیالیستی نیاز حیاتی دارد. باید بطور همه جانبه ای به این افق مجهز شود. و کنگره ششم باید نماینده این امر بزرگ و تاریخی و تاریخ ساز باشد.

انترناسیونال: اوضاع جهانی که کنگره ۶ در آن برگزار میشود چیست؟ اهمیت کنگره ۶ در رابطه با اوضاع جهانی چیست؟
مصطفی صابو: جهان در مقطع فعلی در

آستانه یک نقطه عطف جدی قرار دارد. از این لحاظ شبیه مقطع کنگره اول حزب است. آن موقع (سال ۱۹۹۴) ما از پایان یک دوره و آغاز دوره جدیدی سخن گفتیم. آنوقت رجزخوانی های اولیه سرمایه داری بازار آزاد غرب بدنبال سقوط سرمایه داری دولتی شرق (که کمونیسم نامیده میشد!) ته می کشید. دوره "پیروزی بازار"، "پایان تاریخ"، "پیروزی دموکراسی" داشت به پایان میرسید. معلوم شده بود که دنیای بعد جنگ سرد، دنیای "نظم نوین جهانی"، دنیای سردرگمی و بحران و جنگ و جدال است. منصور حکمت در سخنرانی افتتاحیه کنگره اعلام کرد که شرایط برای تعرض مجدد مارکسیسم و کمونیسم فراهم میشود. (به نوشته وی "در پایان یک دوره" رجوع کنید.) این ارزیابی درست بود و به نظر من در مقطع ۱۹۹۸ و با فوران کردن یک بحران جهانی مالی وسیع که از جنوب شرقی آسیا شروع شد و تمام دنیای سرمایه داری را بار دیگر در وحشت "رکود کبیر" فرو برد، دوره رجزخوانی "کمونیسم مرد" بطور قطع تمام شد. اگر یادتان باشد این وقتی بود که از مانیفست کمونیست یک چاپ جدید و پر سر و صدا منتشر شد و در مهمترین روزنامه های بورژوازی اعتراف میشد که مارکس بحران سرمایه داری را درست دیده بود! این وقتی بود که مارکس بعنوان بزرگترین متفکر هزاره در نظر سنجی بی بی سی انبشستین و سایرین را پشت سر میگذاشت و یا "ایمجین" جان لنون بعنوان بهترین ترانه قرن انتخاب میشد. این دوره ای بود که جنبش پرقدرت و رادیکال جوانان تحت عنوان "آنتی گلوبالیزیشن" از سیاتل تا مونترال و از لندن تا رم همه را مبهوت میکرد و اعتصابات کارگری در فرانسه و ایتالیا و سایر کشورها خواب بورژوازی را آشفته میکرد. این برآستی یک دوره جدید تعرض چپ بود. ولی فاجعه ۱۱ سپتامبر و عروج جنگ تروریستها همه این روندها را به نوعی قیچی کرد. ناگهان جهان عرصه "جنگ تمدنهای" هائیتنگتون شد. "تمدن غرب" و "دموکراسی" در برابر "تمدن اسلامی" و "تروریسم" قرار گرفت و تمام معادلات و اوضاع کل جهان را تحت الشعاع قرار داد. که البته این چیزی جز جنگ قدرت دو قطب ارتجاعی بورژوازی (تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلام سیاسی) در شرایط خلاء قدرت بعد از جنگ

سرد و بن بست های نظم نوین جهانی نبود. بدین ترتیب یکی از سیاه ترین دوره های تاریخ معاصر شروع شد که در ادبیات ما مفصل توضیح داده شده است. اما نکته این است که همین دوره سیاه حاکمیت مذهب و قومیت و ترور و بازپس گرفتن ابتدایی ترین حقوق سیاسی و مدنی در خود همان غرب، دارد به پایان خط میرسد. به نظر میرسد قیچی ۱۱ سپتامبر دیگر کند شده و جست و خیز و واپس گرایانه و خونین نئوکنسرواتیسم و اسلام سیاسی دیگر به حد نهایی بن بست هایش میرسد. دوباره دارد چپ گرایی مد میشود. به برخی وقایع چند سال اخیر دقت کنید: در انتخابات آلمان عکس های مارکس و حتی لنین توسط احزاب چپ بورژوازی بالا میروند. در آمریکای لاتین چپ رفرمیست و جهانسومی پا میگذرد. در فرانسه کارگران بعنوان یک قدرت سیاسی در برابر دولت قد علم میکنند و باز سروکله پلیس ضد شورش در دانشگاه پیدا میشود. موج عظیمی از "یک لش" سکولاریستی و ضد مذهبی در غرب آغاز شده که کمپین مینا احدی و دوستانش تنها نونک این کوه یخ جهانی است. نئوکنسرواتیسم در زادگاه خودش دارد از جریانات مرکز شکست میخورد. این دوره جدید بنظر میرسد که بخصوص بعد از شکست سیاست های آمریکا در عراق با شتاب و قدرت بیشتری دور برمیدارد. نکته این هست که این دوره میتواند دوره تعرض چپ و کمونیسم کارگری در سطح جهانی باشد. تنها جنبش ما (که یک جنبش جهانی است) میتواند پاسخ صحیح این اوضاع و مقابله با تمام قطب های ارتجاعی بورژوازی را داشته باشد. اما باید هشدار داد همانطور که در کنگره اول هم تاکید شد و تجربه زنده ثابت کرد، دوره جدید بعنوان دوره تعرض چپی از نوع ما یک امر اجتناب ناپذیر نیست. لازمه اش پراتیک عنصر فعال و پیشتاز است. لازمه اش تامین رهبری و انسجام نیرویمان در سطح جهانی است. اگر ما یعنی کمونیسم کارگری درست حرکت نکنیم و ابتکار را بدست نگیریم، جنبش ها و حرکات راست و ارتجاعی کم نیستند که در این دوره جدید دست بالا بگیرند. اینجاست که نقش ما بعنوان حزب کمونیست کارگری، بعنوان پرچمدار کمونیسم کارگری در ایران که در پیشاپیش یک جنبش عظیم انقلابی برای سرنگونی

انترناسیونال: کنگره ۶ حزب چه نقشی در رابطه با اوضاع ایران میتواند داشته باشد؟

کاظم نیکخواه: کنگره طبعاً بیانگر این است که حزب در اوضاع کنونی چه نقشی قرار است ایفا کند. و اگر بخوایم کوتاه اشاره کنم باید بگویم که در اوضاع پرتحول کنونی انتظارات زیادی از حزب میرود. حزب باید خود را برای کاری سترگ در این شرایط آماده کند. باید بتواند جامعه را از این پیچ مهم به سوی انقلاب و سرنگونی حکومت اسلامی سرمایه داران عبور دهد. و کنگره باید بتواند سرخطها و استراتژی اساسی حزب برای دخالتگری جدی در سیاست در ایران را ترسیم کند. شرایطی که در رابطه با ایران قبلاً بطور خلاصه اشاره کردم و جنبه بین المللیش را مصطفی صابر گفت، شرایطی عادی نیست. به دست بالا پیدا کردن چپ در اوضاع سیاسی ایران و تحویلی رو به جلو در جهان اشاره شد. کارگران و مردم در ایران عمیقاً تشنه آزادی و رفاه و زندگی ای در خور انسان هستند و از آن کوتاه نمی آیند. متحقق شدن این آرزوی قلبی میلیونها کارگر و مردم معترض به نقش حزب کمونیست کارگری گره خورده است. و این کنگره باید راه را نشان دهد. آمادگی حزب را برای انجام آنچه از آن انتظار میرود به همگان اعلام کند. ما این خوشخیالی را نداریم که فکر کنیم با گسترش جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبی سرازیری شروع شده است و کار اصلی برای برپایی دنیایی انسانی انجام شده است. موانع بسیاری باید کنار زده شود. راه درازی هنوز باید پیموده شود. حزب در این دوره باید بتواند به یک نیاز حیاتی یعنی نیاز تاریخی بر افراشته شدن

۹ اردیبهشت روز اعتصاب سراسری معلمان را به یک روز بزرگ اتحاد و همبستگی با اعتراضات معلمان تبدیل کنیم



شهلا دانشفر

مبلغی معین بعنوان مبنایی برای همین امروز، به طور عملی به مبارزات معلمان پیوندیم و با اینکار جبهه قدرتمندی از مبارزه حول این خواست شکل دهیم؛ مبارزه ای که همین اکنون براه افتاده و معلمان و کارگران دارند از مبالغ يك ميليون، ششصد هزار و غیره سخن میگویند. باید این جنبش را متحد کرد.

همچنین معلمان خواهان آزادی معلمان دستگیر شده و رفع تهدید و فشار از فعالین این مبارزات هستند. امروز بهترین فرصت است که با حمایت قدرتمند از این خواست، خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط معلمان دستگیر شده، محمود صالحی، دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی شویم. امروز باید شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد رساتر از هر وقت فریاد زد.

کمتر از یک هفته به اول مه باقی مانده است. باید با اتحاد و همبستگی با مبارزات معلمان در صفی قدرتمند به استقبال اول مه برویم. باشد که اول مه سرآغازی باشد بر يك اعتراض عمومی گسترده در كل جامعه.*

اعتراضی عمومی و سراسری است. در این میان جایگاه اعتراض و مبارزات معلمان روشن و آشکار است. باید با تمام قوا از مبارزات معلمان حمایت کرد. باید يك بند قطعنامه های اول مه حمایت از خواستها و مبارزات معلمان باشد و پلاکاردهای ما مردم از مبارزات برحق معلمان حمایت میکنیم را همه جا بر دست گرفت.

روز ۹ اردیبهشت روز اعتصاب سراسری معلمان است. باید تلاش کنیم که روز ۹ اردیبهشت را به يك روز بزرگ اتحاد و همبستگی با اعتراضات معلمان تبدیل شود. با دسته های گل به مدارس سر بزینم و با معلمان معترض و اعتصابی اعلام حمایت کنیم. دانشگاهها جایگاه مهمی در فضای سیاسی امروز جامعه دارند و حمایت وسیع دانشجویان از مبارزات معلمان وزن مهمی در گسترش این مبارزات دارد. مهم است که امروز ما شاهد حمایت گسترده دانشجویان از مبارزات معلمان در اشکال مختلف، از جمله اعلام اعتصابات حمایتی از مبارزات آنان، شرکت در تجمعات معلمان، برپایی شبهای همبستگی با معلمان، ایجاد کمیته های حمایت و همبستگی از مبارزات معلمان و برپایی اجتماعات اعتراضی برای آزادی فوری و بدون قید و شرط معلمان دستگیر شده باشیم.

خواستهای معلمان خواستهای کارگران و خواستهای كل جامعه است. خواست اساسی معلمان خواست افزایش حقوقها ست. با متحد شدن حول خواست سراسری افزایش حقوقها و دستمزدها و اعلام

خانواده وی به جریان افتاده و همین دو روز پیش بود که جمعی از سوی اتحادیه کارگران بیکار و اخراجی با در دست گرفت شاخه های گل جلوه با شکوه از همبستگی کارگری را در مقابل زندان سنندج به نمایش گذاشتند و خواهان ملاقات با وی شدند. کارگران خانواده محمود صالحی را در آغوش گرفتند و با تقدیم کمک های مالی خود به آنها در واقع بر اتحاد و همبستگی کارگری تاکید گذاشتند و اعلام داشتند که کارگران نمیکذارند رهبران و سخنگویانشان مورد کوچکترین تعرضی قرار گیرند.

بالاخره اینکه در کنار همه این اتفاقات، اجرای طرح مقابله با بدحجابی بود که هم اکنون به اسکاندالی برای رژیم اسلامی تبدیل شده است. این طرح در خیلی جاها به درگیری مردم با مامورین رژیم تبدیل شده و خودشان دارند از شکستشان سخن میگویند. از جمله یحیی محمدی نیا معاون وزیر کشور جمهوری اسلامی، اجرای این طرح را به زیان کشور اعلام کرد و هاشمی شاهرودی رییس قوه قضاییه در اولین گردهمایی استانداران سراسر کشور، از ضرر اجتماعی کشاندن پای زنان و جوانان به کلاتری ها سخن گفت.

اینها همه اتفاقات مهمی است که شاهدش هستیم. اینها همه فضای سیاسی امروز جامعه را نشان میدهد. اینها همه حاکی از آنست که در شرایط خطیری بسر میبریم و در چنین شرایطی همبستگی میان اعتراض بخش های مختلف جامعه يك حلقه کلیدی در تبدیل آنها به

از اینرو حکومت اسلامی در اوج استیصالش شروع به مقابله با این موج اعتراضی کرده است و تهاجم به كل جامعه را در دستور گذاشته است. رهبران اعتراضات معلمان و معلمان معترض را دستگیر کرده است. محمود صالحی از فعالین کارگری در شهر سقز را دستگیر کرده است. اجرای طرح مقابله با بدحجابی از اول اردیبهشت را در دستور گذاشته است و در دانشگاهها شروع به دستگیری و ربودن و احضار دانشجویان معترض کرده است. اما در این تهاجمات بار دیگر ما داریم شکست سیاسی حکومت اسلامی را میبینیم. از جمله هم اکنون اعتراض در دانشگاهها شدت پیدا کرده و هیچگاه مبارزات دانشجویان چنین ابعاد توده ای نداشته است و امروز ما شاهد همبستگی دانشگاههای مختلف از اعتراضات یکدیگر و اعلام حمایت و همبستگی آنها از یکدیگر هستیم و بار دیگر پرچم سوسیالیسم یا بربریت در دانشگاه مشهد برافراشته شد. در شیراز نیز دیدیم که ۱۸۰۰ دانشجو با دو روز تجمع اعتراضی خود طرح اجرای حجاب و پوشش اجباری در دانشگاه را به شکست کشاندند و رییس دانشگاه را وادار به پس گرفتن آن کردند.

در اعتراض به دستگیری محمود صالحی و تهدید و فشار بر روی فعالین و رهبران کارگری کمپینی سراسری شکل گرفته است. طومارهای اعتراضی نوشته شده است. کمیته حمایت از محمود صالحی در سنندج شکل گرفته است، جمع آوری کمک مالی برای

اعتراض و مبارزه معلمان با قدرت ادامه دارد. این مبارزات فضای سیاسی جامعه را تغییر داده است. تجمع هزاران نفر معلمان و بدنبال آن دو روز اعتصاب گسترده و سراسری آنها که توده ای ترین و قدرتمند ترین اعتصاب در طول حیات جمهوری اسلامی بود، امروز معلمان را در موقعیت جدیدی در صحنه سیاسی جامعه قرار داده است. رژیم تلاش کرد این مبارزات را سرکوب کند، رهبران این حرکات اعتراضی را دستگیر و به زندان انداخت، ولی نتوانست این مبارزات را عقب براند و اکنون میبینیم که معلمان همچنان متحدانه بر ادامه اعتراضاتشان پای میفشردند و طی اطلاعیه ای اعلام کرده اند که در روز ۹ اردیبهشت دوباره دست به اعتصاب سراسری خواهند زد و نیز بر تجمعات خود در مقابل مراکز آموزش و پرورش در ۱۲ اردیبهشت و تجمع اعتراضی در مقابل مجلس در ۱۸ اردیبهشت تاکید کرده اند. بدین ترتیب ما شاهد جنب و جوش عظیمی در كل جامعه هستیم و در واقع چیزی که رژیم از آن وحشت داشت دارد اتفاق می افتد.

رژیم اسلامی از مبارزات معلمان وحشت کرده است چون می بیند که این مبارزات به معلمان ختم نمیشود. چون میدانند که این مبارزات سرآغاز اعتراضی عمومی در سطح جامعه است. رژیم از اعتراضات معلمان وحشت کرده چرا که در آستانه اول مه این اعتراضات میتواند به يك اعتراض گسترده در اول مه و به يك قدرتمندی بزرگ کارگران و كل جامعه در آن روز تبدیل شود.

از صفحه ۱ حجاب را دور بیاورید!

برای همگان عیان کرد.

زنان، جوانان، مردم آزادخواه

جمهوری اسلامی باید از شما مفتضحانه شکست بخورد. رژیم حریف جنبش توده ای ما علیه حجاب و مقررات اسلامی نمیشود. این پاشنه آشیل رژیم است و باید به يك شکست سیاسی تمام عیار برای رژیم تبدیل شود. هرجا به حجاب زنان بند کردند دست به تجمع بزینم و جلوشان را بگیریم. مامورانشان را هو کنیم و فراری دهیم. در دسته های

اقدام پیشگیرانه است اما به ضد خود تبدیل خواهد شد. طبق گفته فرمانده نیروی انتظامی، تنها در عرض ۴ روز ۱۵۰ هزار دختر و پسر جوان را دستگیر کردند. این آمار که فقط به تهران مربوط میشود، گویای ابعاد وسیع مقاومت و اعتراض مردم است. همین اعتراض گسترده است که مقامات را به جان هم انداخته و شکست طرحتشان را مسجل کرده است. پیروزی دانشجویان دانشگاه شیراز در مقابل مقررات سختگیرانه نسبت به پوشش، ناتوانی رژیم را

تن ندادن به حجاب اسلامی و تعرض نسل جوان به فرهنگ و مقررات اسلامی و عقب مانده، گوشه ای از جنبش عظیم توده ای برای آزادی و برابری و رهائی از شر حکومت اسلامی است و شایسته حمایت قاطع همه مردم است.

نه به حجاب نه به آبار ناید جنسی
مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ آوریل ۲۰۰۷، ۹ اردیبهشت ۱۳۸۶

از اعتصاب سراسری معلمان پشتیبانی کنیم و روز ۱۱ اردیبهشت، دوش به دوش کارگران در اجتماعات اول مه شرکت کنیم. حزب از معلمان و کارگران میخواهد که در تجمعات خود، در سخنرانی ها و قطعنامه های خود حمله به زنان و جوانان را محکوم کنند و از آزادی پوشش و الغای حجاب دفاع کنند. تنها با همبستگی عمیق و گسترده بین بخش های مختلف جنبش آزادیخواهانه مردم است که جمهوری اسلامی را همه جا میتوان عقب راند و مبارزات را به پیروزی رسانید.

متعدد در میادین شهرها و در اتوبوسها اعلام بی حجابی کنیم و حجاب ها را بپندازیم و دیگران را تشویق به اینکار کنیم. محلات را از کنترل عوامل سرکوب خارج کنیم و بی حجاب اعلام کنیم. دانشگاهها یکی از مهمترین مراکز اعتراض به هجوم رژیم به زنان و جوانان است. مقررات اسلامی در دانشگاهها را عملاً ملغی کنیم و بر آزادی پوشش در سراسر جامعه تاکید کنیم. از مبارزه معلمان و کارگران حمایت کنیم و همه جا رژیم را در محاصره اعتراضات خود قرار دهیم. روز ۹ اردیبهشت با تعطیل کردن دانشگاه

اول مه و نقش کارگران صنعت نفت در ایران



محمد مزعه کار

کارگران و کارمندان صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و بویژه رهبران کارگری نقش کلیدی دارند و توده های وسیع کارگر و زحمتکش در جهت تغییرات بنیادی و رادیکال و سوسیالیستی چشم امیدشان به "کارگر نفت ما" رهبر سرخست ما می باشد.

همکاران و رفقای عزیز در صنعت نفت

روز اول ماه مه کار را تعطیل کنید، کارگران حق دارند همراه با کارگران جهان این روز را جشن بگیرند و مطالبات خویش را در سراسر ایران با پرچم سرخ و سوسیالیستی رو به جامعه اعلام کنند. باید اعلام کرد که استثمار کارگر پایان بیابد، کار مزدی لغو شود و نظام آزاد، برابر و سوسیالیستی برقرار شود. در عین حال خواست های حق تشکل، حق اعتصاب، حق کارگران و مردم برای برپائی مراسم های مستقل اول مه، برابری حقوق زنان با مردان، ممنوع بودن کار کودکان، حق تعیین مزد توسط نمایندگان واقعی کارگران، حق بیمه بیکاری و بیمه اجتماعی، لغو کار قراردادی و موقت، افزایش مستمری بازنشستگان، حق تحصیل رایگان جوانان، حق آزادی پوشش و بی حجابی و لغو حجاب اجباری - اسلامی، آزادی زندانیان سیاسی و بویژه آزادی فعال کارگری جشن اول ماه مه ۱۳۸۳ محمود صالحی را در روز کارگر روز ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۶ برابر با اول ماه مه ۲۰۰۷ با صدای رسا و بلند اعلام کنید. امید به پیروزی آزادی، برابری و یک دنیای بهتر در روز اول ماه مه زنده نگه دارید.

درود به کارگران و کارمندان صنایع نفت، گاز و پتروشیمی
زنده باد اتحاد کارگران در سراسر ایران و جهان
مرف بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

محمد مزعه کار
از سازماندهندگان اعتصاب پالایشگاه نفت آبادان در
انقلاب بهمن ۱۳۵۷
۱ اردیبهشت ۱۳۸۶

همکاران و رفقای گرامی در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی
روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر مهمترین روز کارگران و مردم زحمتکش در سراسر جهان است. روز تعطیل کردن کار و کارخانه ها و روز اعتراض و روز اعلام مطالبات و کیفرخواست طبقه تولید کننده تمامی ثروت های اجتماعی علیه سرمایه داران حریص و زالو صفتی است که در جهت ثروت انلوزی و انباشت سرمایه زندگی و معیشت کارگران را به گروگان گرفته و شرایط سختی را با دولت ها، زندان ها، دادگاه ها، ارتش های سرکوبگر، نیروهای شکنجه گر، مجالس قانونی کردن استثمار وحشیانه کارگران، زنان و کودکان کار و خیابان به طبقه ما تحمیل کرده اند. این نظام بربریت سرمایه در ایران در شکل یک حکومت اسلامی مسائل و مشکلات متعددی در طول نزدیک به ۲۸ سال برای کارگران، زنان، معلمان، دانشجویان، پرستاران، کارمندان کم درآمد، جوانان و کودکان بوجود آورده است. فقر و فلاکت، بیکاری و اخراج های دستجمعی و تحمیل گرسنگی دایم، تن فروشی و کلیه فروشی، بی مسکنی وزاغنه نشینی و کارتون خوابی در پیاده رو ها، زن ستیزی و فرار دختران و کودکان از خانواده ها، کار قرار دادی و موقت و بدون هیچ مزایا، عدم افزایش دستمزد ها با این گرانی کمربشکن، نپرداختن دستمزد ها تا ۲۰ ماه، ایجاد مشکلات روانی و سرکوب جوانان، محروم کردن جوانان از ادامه تحصیلات و اشاعه مصرف مواد مخدر بانیت نابودی نسل جوان و معترض، سرکوب فعالین کمونیست و آزادیخواه جنبش های کارگران، زنان، معلمان و دانشجویان، سرکوب تشکل های کارگری آزاد و مستقل از دولت، زندانی کردن کارگران شرکت واحد، به گلوله بستن و کشتار کارگران خاتون آباد کرمان و دستگیری، زندان، شکنجه و اعدام هزاران کمونیست و آزادی خواه و کشتار دسته جمعی ۱۳۶۷ به فرمان خمینی از نتایج این نظام ضد کارگری و ضد انسانی می باشند.

حکومت اسلامی مسائل جامعه در ایران در این شرایط حساس و پر التهاب

پیام حمید تقوائی به مناسبت اول مه روز جهانی کارگر، روز پیا خاستن سوسیالیسم علیه تبعیض!

عمیق وضعیت موجود و راه تغییر بنیادی این دنیای وارونه روی می آورند و به صفوف سوسیالیسم میپیوندند. این موقعیت ویژه بیانگر قطبی شدن جامعه و رو در رو قرار گرفتن دو طبقه اصلی سرمایه دار و کارگر بر سر اساسی ترین مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مطرح برای توده مردم است. در یک سوی این صف جمهوری اسلامی، نیروهای اپوزیسیون راست، کل جنبش اسلام سیاسی و تروریسم دولتی غرب قرار دارد و در صف مقابل کارگران، اکثریت عظیم زنان و دانشجویان و دیگر اقشار زحمتکش مردم، حزب کمونیست کارگری و نیروهای رادیکال چپ که خواهان سرنگون کردن جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب هستند. این صف انقلاب سوسیالیستی است که در ایران شکل میگیرد و بمیدان می آید. اول مه روز قدرتمندی صف انقلاب و سوسیالیسم در خیابانها است.

زنان، دانشجویان، معلمان، مردم آزاده ایران! جمهوری اسلامی باید برود! در پاسخ به خطر جنگ و سلاح هسته ای، برای پایان بخشیدن به فقر و بی حقوقی و تبعیض و نابرابری که همه جامعه را در بر گرفته، برای تامین معیشت و منزلت کارگران و معلمان و اکثریت عظیم زحمتکش جامعه، برای برابری کامل زن و مرد و برای برخورداری از یک جامعه آزاد و برابر و مرفه انسانی، باید جمهوری اسلامی برود. این حکم کارگران و اکثریت عظیم مردم ایران است. در اول مه امسال در کنار وهملوش کارگران به خیابانها بیایید و با پرچم آزادی و برابری و سوسیالیسم اعتراض خود علیه نظام اسلامی سرمایه را اعلام دارید.
زنده باد اول مه، زنده باد سوسیالیسم!

حمید تقوائی
دبیر کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران

۴ اردیبهشت ۱۳۸۶

۲۴ آوریل ۲۰۰۷

با سوسیالیسم یا بربریت!

اول مه و مراسم‌های خانه کارگر



ناصر اصغری

سرشان نمی‌شود. این کارگران بودند که مناسکهای رژیم را بر سرشان خراب کردند، نه فراخوان دهندگان به کارگران برای شرکت در این مراسم. گرایش آتارکوسنیدیکالیست هم، بخصوص در کردستان، درست زمانی که کارگران مشغول سازمان دادن راهپیمائی‌های خیابانی عظیم و تودهای بودند و مراسم مستقل خود را برگزار می‌کردند، برای سخنرانی در مراسم دولتی سخنران به سالن‌های در بسته می‌فرستاد. این گرایش حاضر نبود که با کارگران رادیکال و گرایش سوسیالیستی اتحاد عمل کند اما عملاً کارگران را به پیوستن به صف خانه کارگر تشویق کرد. اینجا بر عکس تهران، بر علیه از کنترل خارج کردن مراسم توسط کارگران، مقاومت هم کردند.

اعتراض معلمان و پرهیز از رادیکالیزه شدن آن

بالاخر اشاره کردم که این سیاست عمداً به بحران‌های رژیم نمی‌پردازد و به آن سرپوش می‌گذارد. بالاخره معلوم نیست کی باید اعتراض رادیکال کرد؟! از کارگران و دانشجویان می‌خواهد که اگر برای رادیکالیزه کردن اعتراض معلمان به صفوفشان می‌پیوندند، نپیوندند! امروز معلمان با مشاهده بحران‌های رژیم در برخورد به مسئله هسته‌ای، در مقابله با بدحجابی، اعتراضات روزافزون و هر روزه کارگران، اعتراضات دانشجویی و غیره، چنان یورش به رژیم آورده‌اند و چنان به بیماری از بی‌اعتنائی می‌کنند و خواهان حل مشکلات خود و سرنگونی رژیم هستند که حتی باعث هشدار رفسنجانی هم در نماز جمعه شد. درست در چنین شرایطی مبعصری پیدا می‌شود که سوت "پرهیز از رادیکالیزم" را می‌کشد. این از زیر ضرب در آوردن عملی رژیم جنایتکاری است که تنها با سرکوب و قتل عام سر پا مانده است.

اعتراضی را که معلمان شروع کرده‌اند، نمی‌تواند با این نوع هشدارها عقب بنشینند. این رژیم نمی‌تواند به هیچیک از مطالبه معلمان جواب مثبت بدهد. معلمان اگر حتی یک قدم هم از رادیکالیزمشان عقب بنشینند، رژیم حمله خود را شروع خواهد کرد. اما این رادیکالیزم نیروی بیشتری را برای حمایت از اعتراضات کارگران بسیج خواهد کرد. چرا که ۹۰ درصد این جامعه در کمین این رژیم نشستند است. *

بلکه فراخوان دهنده می‌خواهد بگوید که قصدش رادیکال کردن و سمت و سو دادن به آن است. این اما در دو پاراگراف بعدی پوچی خود را نشان می‌دهد. از رادیکال شدن مبارزات معلمان می‌ترسد و از کارگران و دانشجویان رادیکالی که در همه اعتراضات شرکت می‌کنند، می‌خواهد که شعار رادیکال ندهند. فاکتور دیگری که از کارگران پنهان می‌شود، وضعیت داغان و بحرانی رژیم است. هیچ کسی، حتی فراخوان دهنده اپوزیسیون پرورشی هم ادعا نمی‌کند که مراسم خانه کارگری‌ها، غیردولتی است. در این مراسم شعارهای "انرژی هسته‌ای حق مسلم ما (جمهوری اسلامی) است" سر داده می‌شود. برای محبوب و جلودارزاده و صادقی بساط رأی جمع آوری پهن می‌شود. رفسنجانی در مقابل جناح‌های دیگر رژیم علم می‌شود. و و. استفاده رژیم از مراسم پرورتی برای سرپوش گذاشتن به بحران‌های گریبانگیرش يك نعمت آسمانی است. این آن چیزی است که به مخاطب گفته نمی‌شود. بحران‌آفرینی این دولت، دیگر حتی صدای خودی‌ترین خودی‌ها را هم در آورده است. دیگر حتی خامنه‌ای و رفسنجانی هم از سیاستهای دولت احمدی نژاد می‌نالند. اگر خانه کارگری‌ها در میان صدها شعار پرورشی، دو شعار هم بر علیه "خصوصی سازی" - که حداکثر ایرادشان به رژیم است - ندهند، دیگر معلوم نیست چرا کسی باید ادعای تشکل کارگری بودنشان را بخرد!؟

نقش مخرب گرایشات رفرمیست

اینجا لازم است که تلگرافی هم شده به نقش مخرب گرایشات رفرمیست، که در یکی دو سال گذشته در مراسم دولتی شرکت کرده‌اند، اشاره‌ای بکنم. سندیکالیست‌ها تعدادی از کارگران را به مراسم دولتی بردند و ابتدا قصد خارج کردن مراسم از دست خانه کارگری‌ها را نداشتند. اما کارگران معترضی که می‌خواهند سر به تن این رژیم نباشد، قانونگرائی و رجوع به اصل ۲۶ قانون اساسی و غیره

چند سال گذشته کنترل مراسم دولتی از دست برگزار کنندگان آن خارج شده و شعارهای تند بر علیه سران رژیم داده شد. اما در عین حال شاهد برگزاری مراسم‌های مستقل باشکوهی نیز بوده‌ایم. به هر اندازه که مراسم دولتی از طرف کارگران تحریم شدند، مراسم مستقل میلیتانت‌تر شدند. این ابداً بدین معنا نیست که همه کسانی که در مراسم دولتی شرکت می‌کنند، از عوامل خانه کارگر و شوراها اسلامی هستند. انتظار می‌رود که کارگران در این مراسم شرکت نکنند. سؤال این است که اگر کارگری شرکت کرد چه؟ جواب ما بعنوان مخالفین جمهوری اسلامی و اپوزیسیون که می‌رود اول مه با شکوهرت از سالهای گذشته برگزار کند، این است که کارگران شرکت نکنند. برای مقابله با جمهوری اسلامی نمی‌شود مراسم‌های "رادیکالیزه" کرد. هر جا که هستند باید مراسم روز کارگشان را همانند هر مراسم دیگرشان بهم زد. باید بهشان گفت این مراسم دولتی است؛ مرگ بر جمهوری اسلامی! محبوب فرقی با رفسنجانی و احمدی نژاد ندارد. عوامل يك رژیم جنایتکارند. اگر مجبورمان نکرده باشند و زورمان برسد، عمداً به آنجا می‌رویم و مراسم شان را بر سرشان خراب می‌کنیم. اگر مجبورمان کردند و نان شب کودکانمان را گرو گرفتند، قابل درک است. کارگری شاید چاره‌ای نداشته باشد جز شرکت در این مناسکها. اینجا دیگر مسئله فرق میکند. ایشان مجبور به اینکار شده است. کسی به ایشان خرده نمی‌گیرد. این رژیم جنایتکاری است که برای شرکت انسانهای زیادی در مراسم‌هایش، نان شب کودکانشان را گرو می‌گیرد. قابل درک است. دولت دستشان است؛ زندان و اسلحه دارند. دستمزدیایمان را گروگان گرفته‌اند. فراخوان رو به بیرون برای شرکت در این مراسم تسویه حساب جناحهای رژیم با همدیگر، همسوئی با يك جناح رژیم است که دستش از به خاک و خون کشیدن اعتراضات کارگری خونین است. فراخوان برای شرکت در این مراسم و بعد هم چاشنی "رادیکالیزه" کردن آنها هم پزی است تا گفته شود که فقط برای رونق بخشیدن به بساط خانه کارگری‌ها فراخوان داده نشده است؛

مراسمی است که هر ساله توسط خانه کارگر به منظور بهره برداری حاکمیت برگزار می‌شود. اما در دو سال گذشته کنترل آن به طور کامل در اختیار توده‌ی کارگران حاضر در مراسم درآمده است و کارگران با بلند کردن پلاکاردهای مستقل و برآوردن فریاد برابری طلبی مطالبات بر حق خود را مطرح کرده‌اند. این مراسم در سال گذشته به طوری بود که برخی از فعالین کارگری بر جلوتر بودن توده‌ی کارگران از پیشروان کارگری تاکید کردند. به نظر نگارنده این مراسم از سوی پیشروان کارگری نباید کم اهمیت انگاشته شود و باید تدابیری در جهت رادیکالیزه کردن مطالبات و جهتهای به مراسم اندیشیده شود. و دو پاراگراف پائین‌تر، در باره ۱۲ اردیبهشت، که معلمان اعلام کرده اند برای پیگیری مطالباتشان در این روز اعتراض خواهند کرد، می‌افزاید: "... این ضرورت وجود دارد که فعالین کارگری و دانشجویان در تجمعات آتی معلمان حضور پیدا کنند و زمینه را برای پیوند خوردن مبارزات معلمان با کارگران ایجاد کنند. البته به نظر نگارنده در صورت حضور در اجتماعات معلمان به هیچ وجه نباید در صد رادیکال کردن جو بر آمد زیرا ممکن است باعث ایجاد حالتی تدافعی در بین معلمان شود."

مراسم خانه کارگر

روزیه فقیهی درست می‌گوید که در

نوشتهای با امضای "روزیه فقیهی، اختصاصی ویلاگ کارگر" تحت عنوان "چند نکته پیرامون اول ماه می امسال" در چند سایت اینترنتی درج گردیده که گرچه اولین بار است با اسم "روزیه فقیهی" برخورد می‌کنم، اما پرداختن به موضوعاتی که ایشان مطرح و تبلیغ کرده، لازم و پرداختن به يك خط سیاسی مشخص است.

این نوشته با اشاره به اول ماه مه، به دو نکته بسیار مهم، "فراخوان به شرکت کارگران در مراسم دولتی و رادیکالیزه کردن آن" و "پرهیز از رادیکالیسم در مبارزات معلمان" می‌پردازد. کسانی که صحنه سیاسی جامعه ایران در چند سال اخیر را دنبال کرده باشند، میدانند که این خط "راه توده" است که گاهاً خجولانه و گاهاً عریان ابراز وجود می‌کند. من روزیه فقیهی را نمی‌شناسم و اگر چه این نوشته خط "راه توده" است، و امروز "راه توده" فرق چندانی با احمدی نژاد ندارد، اما ابداً قصد این نیست که بگویم ایشان توده‌ای هستند. این نوشته جدا از اینکه نویسنده‌اش چه کسی است، دارد این سیاست را تبلیغ می‌کند.

برای رعایت انصاف بگذارید اینجا دو نقل قول مربوط به این اظهارنظر را بیاوریم. در پاراگراف دوم در نوشته‌اش در باره روز کارگر در ۱۱ اردیبهشت می‌گوید: "اما مراسمی که نباید از آن غفلت کرد،

برنامه های

تلویزیون انترناسیونال

برنامه های انترناسیونال همه روزه، تا راه افتادن تلویزیون ۲۴ ساعته حزب در شبکه هات برد، از ساعت ۳ و نیم تا ۴ و نیم عصر به وقت تهران (۲ تا ۳ بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی، ۵ تا ۶ صبح به وقت لس آنجلس) از کانال يك پخش میشود.

این برنامه هر روز از ساعت ۱۱ و نیم تا ۱۲ و نیم ظهر به وقت ایران، ۱۲ تا ۱ نیمه شب به وقت لس آنجلس، ۹ تا ۱۰ صبح به وقت اروپای مرکزی تکرار میشود.

آدرس کانال جدید:

<http://www.newchannel.tv/>

برای تماشای برنامه از طریق اینترنت

<http://www.channelonetv.com/>

برای تماشای مستقیم

شماره تلفن تماس با کانال جدید:
001-323 284 42 82

نامه ها

بخشی از این نامه ها مربوط به شماره قبل است که به خاطر تراکم مطلب در شماره قبلی به این شماره موکول شده بودند. انترناسیونال

چند نامه در رابطه با کمپین "ما از مذهب رو بگردانیم" به میثا احدی

بکوییم این مار هفتر سر را

سلام، من از کانادا برات مینویسم. مقاله شما را خواندم خیلی جالب است. من به دست تمام شیرزنانی مثل شما بوشه میزنم. بکوییم این مار هفت سر را تا بلکه نسل آینده مبتلا به این سرطان نشود. ما هم همراه شما هستیم تا آخرین نفس.

فهاد برجاسی

نکاتی از تاریکور

نورافکنی دیگر از رسانه ها بر منتقدین اسلام خوب چرا شما با هندوهای آتئیست روی گردان از هندوئیژم، مسیحیان آتئیست روی گردان از مسیحیت، بودائیهای آتئیست روی گردان از بودیژم که تعداد بسیار فراوانی از آنها و سازمانهایشان در جامعه موجودند، مصاحبه نمی کنید و نظر آنان را در مورد مذهب سابقشان جوینا نمی شوید و ببینید که آنها چه می گویند؟ اگر آتئیست در هر مذهبی وجود دارد، چرا شما فقط با آتئیستها از مذهب اسلام مصاحبه می کنید؟ بنظر می آید که شما رایشتهای ناب اسلام گریزی بیش نیستید.

نکاتی از ولید

مذاهب دیگر در حقیقت فقط مذهبی بیش نبوده و دارای انگیزه ها و سودهای سیاسی و سرکوبگرانه نیستند. ترك اسلام در حقیقت مصادف است با دوباره انسان شدن و به انسانیت گرویدن. ترك مذاهب دیگر به معنی ترك اعتقاد به معنویات (روحانی) برای به مادیات گرویدن است. در مذهب اسلام قوانینی وجود دارند که ترك اسلام را ممنوع میکنند، که خود این امر نمایانگر بینش ستمگرایانه و سرکوبگرایی اسلام میباشد. این خود دلیلی است بر صحت این امر که ترك اسلام امری است بسیار بزرگ و مهم.

توضیح سردیور

ظاهرا اشاره نامه دوم به رسانه هاست که از کمپین "ما از مذهب رو بگردانیم" استقبال کرده اند. و نامه

سوم هم تلاش میکنند حساب مذاهب دیگر را از اسلام جدا کند که گویا مذاهب دیگر بی ضرر هستند!

در اصل همه مذاهب یکی هستند. همه مذاهب، بغیر غم اینکه تلاش میکنند ظاهر معنوی ای به خودشان بگیرند که گویا مضر به حال بشریت نیستند، در واقع يك ریشه دارند و همیشه به حال زندگی انسان مضرند.

همه این مذاهب در مقاطع مشخصی نقش سیاسی خودشان را ایفا کرده اند و دقیقا به خاطر همان نقش زمینشان مورد توجه و حمایت طبقات حاکم قرار گرفته اند. یهودیت و مسیحیت خودشان پرونده سنگینی از جنایت علیه بشریت را زیر بغل دارند. زمانی همین مذاهب دقیقا همان نقشی را داشته اند که اسلام امروز ایفا میکند. زیر سیطره این مذاهب انسانهای زیادی سنگسار شده اند، انسانهای زیادی کشتار شده اند و با مقاومت و مبارزه انسانهای آزادیخواه و آتئیست و سکولار به عقب رانده شده اند. برای مثال، دین مسیحیت، برای کل قرون وسطی یکه تازی کرده است اما به قدرت رنسانس و جنبش روشنگری و نهایتا انقلاب کبیر فرانسه به کنج کلیساها رانده شده است. امروز اسلام همان نقش کلیسا در قرون وسطی را ایفا میکند و در مقابل يك جنبش عظیم سکولاریستی، و امروز به جرئت میتوان گفت جنبش عظیم سکولاریستی ای که توسط کمپین "ما از مذهب رو بگردانیم" با قدرت پیش می رود قرار گرفته است.

جنبشی که میتواند حمایت بشریت مترقی و سکولار را جلب کند و سرعت این جنبش کثیف را به کنج مساجد براند. جنبش کثیف اسلامی زندگی میلیونها انسان را در سطح جهان به لجن کشیده است، امنیت و آسایش را از مردم جهان سلب کرده است و مبارزه علیه این جنبش دقیقا به همین دلیل اجبارا مورد توجه رسانه ها قرار گرفته است. و جالب است بدانید که همین رسانه ها برای مدت طولانی، همگام با سیاست دول غرب در قبال اسلام سیاسی سعی میکردند چهره ملدن و مترقی و ملایم از بخشی از اسلام سیاسی به مردم جهان حفته کنند. همه مذاهب مضر به حال بشر هستند و همه مذاهب را باید به کنج کنیسه ها و کلیساها و مساجد راند. امروز دین اسلام و اسلام سیاسی در مرکز این مبارزه بشریت ملدن و مترقی قرار دارد. جنبش علیه اسلام سیاسی را باید تقویت کرد تا مردم جهان از شر

این دمل چرکین هر چه زودتر رها شوند.

نامه هایی به شهلا دانشفر این انقلاب ننگین!!

سلام بر تو منجی آزادی شهلاجان! از راه دور ایران، سرزمین کورش بزرگ شیراز دست پرتوانت رامی بوسم و امید پیروزی برایت دارم الان منتهاست از ورود ملعون و وحشی زمان احمدی نژاد به سرزمینم شیراز جلوگیری میکنیم و با دوستانم در حال برگزاری تظاهرات علیه ورودش به شیراز هستم. او میخواهد پاسارگاد مهد تمدن ایران را با افتتاح سدسیوند خراب کند. او همه ایرانیان و دنیا را سرکار گذاشته است. از شما میخواهم بیشتر اطلاع رسانی کنید که ما چکار کنیم. مردم همه ناراضی هستند ولی می ترسند چون آنها رحم نمیکنند. همانطور که میدانید دانشجویان و معلمان همه دریندد به خاطر خواستن حقتشون. آنها ایران را به بن بست کشانده و از اعتقاد مردم سواستفاده می کنند. دوستت دارم و آزوی پیروزی بر اتون و دوستانتان و خانواده رادارم. از زمان به وجود اومدن این انقلاب ننگین و به لطف بی دریغش ایرانی ها بسیاری از چیزهاشون رو از دست دادند.

سعید از شیراز ...

دوست عزیز سعید! ممنون از نامه صمیمانه شما. از اینکه من را منجی آزادی خطاب کرده اید و شیراز را سرزمین کورش بزرگ نامیده اید و انقلاب را ننگین خوانده اید چیزی که دستگیرم میشود اینست که شما تحت تاثیر زبان و فرهنگی هستید که از زبان سلطنت طلبان میشنوم. البته نه من منجی آزادی هستم و نه شیراز سرزمین کورش بزرگ و نه انقلاب ننگین. و دوست دارم در این پاسخ کوتاه سخنی کوتاه در مورد انقلاب داشته باشم. شما در نامه تان از خراب شدن پاسارگاد صحبت کرده اید. اینکه در آنجا قرار است چه پروژه ای انجام گیرد، برابم روشن نیست. ولی همینقدر میدانم که آثار تاریخی را باید حفظ کرد، چون تاریخ يك جامعه است. قصرهایی که روی دوش بردگان ساخته شده و امروز به تاریخ تعلق دارد و ... همه و همه باید به مثابه شاهدهی از بخشی از تاریخ حفظ شوند. اما موضوع اینست که در جامعه ای که فقر و بدبختی بیداد میکند، اعتراض به وضع موجود هر روز گسترش بیشتری می یابد، متأسفانه برای ما فرصتی برای

پرداختن به این موضوع به جا نگذاشته است. اما اجازه بدهید به بحث انقلاب اشاره ای داشته باشم. شما در آخر نامه تان نوشته اید: " از زمان به وجود اومدن این انقلاب ننگین و به لطف بی دریغش ایرانی ها بسیاری از چیزهاشون رو از دست دادن." دوست عزیز این تبیین از انقلاب دقیقا آن چیزی است که بورژوازی میخواهد و تبلیغش میکند. بورژوازی تلاش دارد نفرت از انقلاب را برانگیزد چون میخواهد وضع موجود را حفظ کند. چون مبدا کلیت این نظام زیر ضرب رود. برای اینکه مردم در صحنه سیاست نباشند و زمام امور از کنترلشان خارج نشود. برای اینکه مردم نتوانند خودشان سرنوشت خود را تعیین کنند و همه چیز از بالای سر آنها حل و فصل شود. اما همه میدانیم که مردم انقلاب نکردند که جمهوری اسلامی را روی کار بیاورند. مردم انقلاب کردند چون فقر نمیخواستند. چون استعمار نمیخواستند. چون ساواک و زندان و شکنجه نمیخواستند. مردم آزادی

میخواستند. مردم به تعیض معترض بودند و خواهان برابری بودند. مردم میخواهند زنان نیز از حقوق برابر چون مردان برخوردار باشند و خواهان جامعه ای انسانی، آزاد و برابر بودند. اتفاقا جمهوری اسلامی روی کار آمد، چون آلترناتیوی بود برای سرکوب انقلاب. جمهوری اسلامی را سیاست گذاران دول غربی روی کار آوردند و بر روی دوش کسانی به جلو آمد که تا قبل از آن در خدمت رژیم شاه و ساواکش بودند. انقلاب اسلامی روی دوش

سنتهای ملی - اسلامی اپوزیسیون ایران ساخته شد. بعد از انقلاب ۵۷ مردم تا مدتها مبارزه کردند و از دستاوردهایش دفاع کردند. اما با خونین ترین سرکوب ها بود که سرانجام شکستش دادند. امروز نیز باز همان نیروها، جریاناتی که از انقلاب مردم وحشت دارند، میکوشند تا شکست انقلاب ۵۷ را به حساب خود انقلاب بنویسند. میکوشند تا نفرت از انقلاب را در جامعه دامن زنند. از جمله همین امروز می بینیم که صف سرنگونی گسترده و وسیع است ولی تمام نیروهای سرنگونی طلب، انقلاب نمیخواهند و از هم اکنون با تبلیغ علیه انقلاب در مقابل آن صف کشیده اند. بویژه امروز که اعتراض در جامعه گسترده است. امروز که طبقه کارگر يك رکن اصلی این

اعتراضات است و امروز که هژمونی چپ هر روز بیشتر میشود و شعارهای چپ و رادیکال است که دارد فضای سیاسی جامعه را رقم میزند، و امروز که ما با رشد يك جنبش انقلابی در جامعه روبرو هستیم. گفته میشود انقلاب خشونت است. وقتی مردم دست به اعتراض میزنند، به آرامش دعوت میشوند و با نشان دادن مصایبی که جمهوری اسلامی برای مردم بوجود آورده است، از ننگین بودن انقلاب سخن میگویند. این را در پیامهای رضا پهلوی و تبلیغات جریانات رنگارنگ سلطنت بخوبی میتوان دید. اما اگر امیدی هست به همین اعتراضات روبه گسترش مردم به جان آمده است که شما نیز به آن اشاره دارید. مردمی که در بندند و امروز برای آزادی و برابری مبارزه میکنند. زنده باد انقلاب برای آزادی و برابری انسانها.

خبره نیستیم ولی پر نشاطیم

با تشکر خدمت استاد عزیزم خانم دانشفر

خدمت شما عرض میکنم که من و دوستانم يك گروه بیست نفری هستیم. و بر علیه حکومت استبدادی و زن ستیز و همچنین علیه آپارتاید جنسی و حمایت از کارگران و حقوق مردمی شروع به فعالیت کرده ایم. امیدوارم در این زمینه به ما کمک فکری کنید. و به ما خط دهی کنید. ما در کار خود خبره نیستیم. ولی پر نشاطیم و با انگیزه. لذا از شما خواهش میکنم که تا حد امکان به ما کمک کنید. منتظریم. آرش ...

دوست عزیز آرش!

از نامه شما متشکرم و قبل از هر چیز خوشحالی خودم را از قرار گرفتن شما و جمعستان در صف حزب کمونیست کارگری ایران اعلام میکنم. قبل از هر چیز دوست دارم بگویم که امر مبارزه و متشکل شدن در حزب کمونیست کارگری ایران امر خبره ها و نخبگان نیست. امر انسانهای پر شور و آزادیخواهی چون شماست و بدون شک با پیوستن صاحب حزبی قوی تر و قدرتمند تر خواهیم بود. حزب ما تلاش دارد به حزب اکثریت جامعه تبدیل شود و نتیجه این تلاش باید به جذب انسانهایی چون شما که علیه این رژیم جنایت کار و زن ستیز و علیه آپارتاید

اول ماه مه، شاخص موقعیت طبقه کارگر

مرتضی فاتح - ایران

امروز دیگر اول ماه مه به عنوان روز کارگر و خصوصاً روز اعتراض طبقه کارگر به وضعیت غیر انسانی حاکم بر جامعه علی العموم و اعتراض به وضعیت کارگران علی الخصوص برسمیت شناخته شده است و برسمیت شناسی این روز حتی به راست ترین بخش های سرمایه در ایران هم تحمیل شده است.

اگر چه بر گزارى مراسم روز کارگر در جامعه ایران از سابقه ای طولانی برخوردار است، اما این روز در هر دوره ای شاخص مناسبی از وضعیت اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر است.

این روز تا پیش از دوران اختناق رضا شاهی در محیط های کارگری آن دوران و در نزد فعالین رادیکال چپ به عنوان جشن جهانی کارگران برگزار و گرامی داشته میشد. اما محدوده این مراسم به کارگران و محیط های کارگری و فعالین اجتماعی آن دوره محدود می گردید و با توجه به نسبت جمعیت طبقه کارگر به کل جمعیت و میزان ارتباطات اجتماعی آن دوران، چنین روزی در اعتراضات اجتماعی نقشی متناسب با اهمیت تاریخی روز اول مه نداشت.

با سقوط رضا شاه و گشایش در فضای سیاسی جامعه، نیروهای چپ و فعالین کارگری با برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در اشکال متفاوت، نقش مهمی در تثبیت اول ماه مه به عنوان روز کارگر در جامعه ایفا کردند.

در این سالها بدلیل فضای مستعد بین المللی و همچنین گسترش کمی و کیفی طبقه کارگر در ایران، تشکلهای کارگری و احزاب سیاسی مختلفی که سعی در استفاده از قدرت اجتماعی کارگران در جهت دستیابی به اهداف طبقاتی خود را داشتند، با ایجاد کانون ها و برپائی مراسم کارگری، به اول ماه مه و فراگیر شدن مطالبات کارگری و اجتماعی شدن فعالین کارگری دامن زدند. این وضعیت اگر چه تشکلهای کارگری و طبقه کارگر را در جامعه به وزنه ای اجتماعی تبدیل کرد که دیگر سایر طبقات نمیتوانستند به آن بی توجه باشند، اما این طبقه هنوز از سخنگویان و رهبران طبقاتی و حزب سیاسی خود بی بهره بود. در این دوره علیرغم وجود برخی رهبران عملی و تشکلهای مستقل کارگری، در مجموع طبقه کارگر در سایه اهداف اجتماعی سایر طبقات حرکت میکرد. به همین دلیل در این دوران اول ماه مه اگر چه به عنوان روز کارگر و توسط کارگران برگزار میگردد اما به لحاظ سیاسی و اجتماعی، شعارها و برنامه طبقاتی کارگران خصلت نمای چنین روزی نبود.

شرکت کارگران در انقلاب ۵۷ به عنوان يك طبقه با کمیت بالا و کیفیت يك طبقه اجتماعی و نقش تعیین کننده و موثر در انقلاب، برای بورژوازی ایران يك نتیجه گیری مهم داشت، و آن اینکه، در این دوره طبقه

کارگر موثرترین طبقه در جایجا کردن قدرت سیاسی و بر هم زدن بالانس طبقاتی در جامعه است. به همین دلیل هدف اصلی سرمایه در ایران در خلال سالهای مذکور سرکوب فعالین کارگری و روشنفکران رادیکال مرتبط با طبقه کارگر بود. برگزاری مراسم اول ماه مه در سالهای ۵۸ و ۵۹ خصلت نمای وضعیت طبقه کارگر در این دوره است. با وجود شرکت گسترده کارگران و مردم در این مراسم و طرح شعارهای برابری طلبانه و آزادیخواهانه توسط کارگران و فعالین کارگری، و نمایش هژمونی چپ بر جنبش کارگری، هنوز هم برنامه اجتماعی طبقه کارگر از سوی نمایندگان سیاسی و حزب طبقاتی کارگران ارائه نمیکرد. هنوز هم در سطح سیاسی و اجتماعی کارگران توسط سخنگویان طبقاتی شان نمایندگی نمیشوند.

مهمترین پدیده اجتماعی این دوره طبقه کارگر است و مهمترین مشخصه آن نقش بی گنگو و تعیین کننده آن به عنوان يك طبقه در معادلات اجتماعی. این نقش چنان تعیین کننده و موثر است که حتی خدای خمینی نیز کارگر میشود.

با شکست انقلاب ۵۷ و سرکوب و حشیانه نیروهای رادیکال و کارگران در سال ۶۰، یکی از مهمترین حلقه های اتصال میان کارگران، فعالین کارگری و فعالین اجتماعی رادیکال، مراسم اول ماه مه بود. برگزاری این

مراسم همچنان نشاندهنده موقعیت طبقه کارگر در جدال اجتماعی بود. در این سالها (تا اواخر دهه ۶۰) این روز در مجامعی محدود از کارگران همکار یا در روابط خانوادگی برگزار میگردد. اگر چه در برگزاری این مراسم محدودیتهای جمعیتی وجود داشت، اما آنچه که این محدودیتهای را بی اثر میکرد تعدد جمع های برگزار کننده این مراسم بود. چنین مراسمی نشان میدهد که دیگر طبقه کارگر به عنوان يك طبقه در هر شرائطی و به اشکال اجتماعی متفاوت سعی در حفظ دستاوردهای تاکنونی اش دارد. اول ماه مه نشانه حضور کارگران در مقیاسی وسیع و موثر است و تثبیت این روز در تقویم جامعه از دستاوردهای مهم کارگران است که در شرائط دشوار آن سالها باید حفظ میشد و شد.

در سالهای اخیر نیز میتوانیم با مشاهده مراسم و نحوه برگزاری و فعالین برگزار کننده جشن اول ماه مه، به تصویری از موقعیت و وضعیت اجتماعی طبقه کارگر دست پیدا کنیم. در سالهای اخیر به دلیل افزایش امیدوار کننده فعالین کارگری و رهبران عملی اجتماعی از یکسو و شکست و عقب نشینی های حکومت در مقابل جامعه از سوی دیگر، هر ساله شاهد برگزاری مراسم اول ماه مه در اشکال متنوع و سراسری توسط کارگران و فعالین اجتماعی هستیم. هر بیننده بی طرفی شاهد دست بالا داشتن شعارهای چپ و کمونیستی در این مراسم است. در چند ساله اخیر حتی هر مراسم دولتی و فرمایشی تبدیل

به بلندگوی کارگران برای بیان خواستهها و مطالباتشان گردیده. تشکلهای مختلف و فعالین کارگری با هماهنگی و برنامه های از پیش تعیین شده به استقبال این روز میروند. شعارهای کارگران و قطعنامه های آنان در این روز نشاندهنده موقعیت این طبقه در جدال طبقاتی موجود است. شرکت کارگران در مراسم این روز جهانی و ارتباط موثر کارگران ایران با کارگران و تشکلهای کارگری در سطح بین المللی و بسیاری فاکتورهای دیگر نشاندهنده این واقعیت است که امروز طبقه کارگر ایران به عنوان يك طبقه اجتماعی با شعارها و برنامه و سیاست و حزب سیاسی مشخص خود و با هویت مشخص وارد کارزار اجتماعی گردیده است.

اکنون دیگر این طبقه به عنوان پشتیبان اصلی مبارزات سایر زحمتکشان در جامعه شناخته میشود. حمایت کارگران از معلمان، حمایت از دانشجویان و پرستاران و همچنین مبارزات روزمره بخشهای مختلف کارگری نشاندهنده حضور جدی و قائم بالذات طبقه کارگر در مبارزه اجتماعی جهت دستیابی به دنیای انسانی تر است.

اول ماه مه رژه هر ساله بشریت متمدن برای دستیابی به جهانی انسانی است. سالهاست که طبقه کارگر ایران در اشکال مختلف همگام با کارگران سایر کشورها در این رژه شرکت میکند، اما اینبار با وجود حزب کمونیست کارگری به عنوان حزب سیاسی طبقه کارگر، طبقه کارگری ایران میتواند به پرچمدار این مارش جهانی تبدیل گردد. *

نامه ها

از صفحه ۶

جنسی مبارزه میکنند و خواهان جامعه ای آزاد و برابر و انسانی است منتهی شود. در آخر دست شما را بگرمی میفشارم و از شما میخواهم مرتباً با ما در تماس باشید. از اعتراضاتتان در محل و مسایلی که با آن درگیرید برامان بنویسید. و با بردن شعارها و سیاستهای ما بدون عرصه های مختلف مبارزه که در آن درگیرید، در توده ای تر شدن رادیکالیسم و زدن مهر حزب بر سیر تحولات جاری ما را یاری دهید. اول مه نزدیک است. ما را از جنب و جوشهای موجود حول برگزاری این روز و برنامه هایی که خودتان در دست دارید مطلع کنید. با تشکر فراوان شهلا دانشفر

یک پیشنهاد از منوچهر ماسوری

آخرین شماره را که نگاه کردم، دیدیم که ۱۲ صفحه است، خوشحال شدم چون حقیقتاً در هفته های اخیر فکر می کردم که آیا يك نشریه ۴ صفحه ای با این اوضاع و احوال و رشد سریع اتفاقات سیاسی در داخل و خارج، جواب می دهد یا نه که جواب منفی بود. من فکر می کنم که اگر اوضاع را ملتهب و آستن حوادث انقلابی می بینیم، باید هر روز پاسخگوی جنبش های معترض به جمهوری اسلامی باشیم و خط دهم و رهبری کنیم، نشریه هفتگی چهار صفحه ای جوابگوی این شرایط نیست. در هر صورت شماره های هفته های اخیر را یک نگاهی کردم، که تعداد صفحه ها

مثلاً همین شماره آخر که ۱۲ صفحه است، می شد آنرا در سه شماره ۴ صفحه ای به فاصله دو روز منتشر کرد. مطالبی که در این شماره هست در طول هفته اتفاق افتاده است و ما هم در طول هفته اطلاعیه هایی منتشر کرده ایم اما بنظر انتشار اطلاعیه به موقع تنها کافی نیست، رهنمود معین و مشخص برای هر حادثه، مثلاً دستگیری محمود صالحی و یا اعتراضات معلمان، باید در نشریه مرکزی حزب بیابید و سریعاً به دست فعالین داخل و خارج کشور برسد.

با احترام

منوچهر ماسوری

منوچهر عزیز
با تشکر از توجهت به انترناسیونال

کاملاً با تو موافقم که تناوب انتشار انترناسیونال افزایش یابد و حتی برسیم به شرایطی که بتوانیم انترناسیونال را هر روز منتشر کنیم و هر صبح خوانندگان انترناسیونال از نظرات و مواضع سیاسی حزب از طریق نشریه شان باخبر شوند. امیدوارم و تلاش خواهیم کرد که بزودی این هدف متحقق شود. قبلاً انترناسیونال در حجم ۴ صفحه ای منتشر میشد اما به خاطر تراکم مطلب ناگزیر شدیم به صفحاتش اضافه کنیم. تلاش ما بر اینست که فعلاً در همان ۸ صفحه منتشر کنیم. هنوز هم ممکن است در مواردی استثنایی به خاطر درج يك مطلب مهم در کنار مطالب آن شماره،

این جهان وارونه را باید زیر و رو کرد!

به مناسبت اول مه

منصور ترکاشوند - ایران

از سیاست حاکم بر جهان امروز، سیاستی که ازپس جمجمه های متعفن امثال احمدی نژاد، خامنه ای، بلر و بوش بیرون می زند؛ از جنگ وجدالهای جاری به هر شکل و به هر عنوان و در نقاطی از جهان که این جنگ وجدالها جاری است؛ بطور مثال در عراق، همانجا که هر روزه حکم مرگ دهها انسان، در یک "بخت آزمایشی" صادر شده است؛ یا در افغانستان جایی که برای توسعه جهالت، به سبک ابراهیم خلیل الله، انسان سر میبرند؛ ویا قتلگاه خاموش هزاران انسان در مانده در سودان؛ کما فی سابق در فلسطین، جغرافیای صدور اعتبار نامه ضد "امریکایی و اسرائیلی" برای حکام نیازمند آبرو و حیثیت اجتماعی؛ و همچنین در ایران و در جنگ بین کارگران و توده های اهل تغییر با بنیان اسلام سیاسی؛ در خطر ترور و مردن در یک حمله انتحاری در هر نقطه از جهان، که شب اش چند عنصر "حزب الله" طی جلسه ای برای اشاعه دین الله حکم مرگ صادر کرده باشند؛ در ادبیات، سینما و فرهنگ حاکم؛ یک نیاز، یک میل، یک کمبود، یک آرزو بشریت متمدن رامیآزارد. انسان برای آن متولد نشده که در یک روز آفتابی، ابری یا بارانی حسب تصمیم یک جانی، یکی مثل بوش یا احمدی نژاد، تکه پاره بشود. نیاز به تغییر در اذهان میلیاردها انسان ضروری شده است.

اینهمه ویرانی، وارونگی و نیاز، سازندگان جهان یعنی کارگران را به تلاش برای ساخت یک دنیای بهتر فرا میخوانند.

طرف با انکار جنایات آدلف هیتلر کثیفترین فاشیست قرن، رسماً به دفاع از فاشیسم پرداخت و با حربه دین و به نمایندگی خدا، زندگی میلیونها انسان را به جهنم بدل و به نام و به بهانه "انرژی هسته ای" جهان را به ورطه جنگی خونینار کشیده است، حماقت را در جهالت ضرب و برای تبلیغ و تهییج جنگ، چپ و راست مانور نظامی در جنوب و خلیج ترتیب می دهد و طرف دیگر، کشتار هر روزه در عراق و افغانستان و اعزام ناوهای جنگی برای قتل از راه دور را نوید پیروزی دموکراسی قلمداد و در صد ها رسانه تبلیغ می کند. با این همه جنایت، احمدی نژاد، خامنه ای، بوش

و تونی بلر خطری برای جهان محسوب نمی شوند! امنیت "ملی" هیچ کشوری را به مخاطره نمی اندازند، افکار جنون آمیز و جنایت کارانه شان، اذهان عمومی هیچ جامعه ای را تشویش نمی کند! حاکمان جهانند ولی مسئولتی در قبال مرگ روزانه هزاران انسان در عراق، افغانستان، سودان، ایران و امریکا حس نمی کنند! و برای این همه قتل مواخذه هم نمی شوند!

اگرچه برای پیشگیری از برگراری یک راهپیمایی در اول ماه مه، دستور دستگیری فعالین کارگری، پیشاپیش توسط قضات "عادل و باشراف و با خدا" مهر و امضا و اجرا شده است، اما، روی میز هیچیک از آن قضات "عادل" حکم دستگیری عاملین واقعی جنایت در جهان امروز دیده نمی شود چرا که اینان خود جانیانند که بر مسند قضاوت نشسته اند.

به مناسبت فرا رسیدن روز جهانی کارگر، کارگر خیز محمود صالحی باید زندانی باشد و "دکتر" محمود احمدی نژاد آزاد. دستگیری محمود صالحی یک واقعه در گوشه ای از ایران اما بسیار مهم است. آنکه در کار ساخت جهان است، همینکه از حقش دم زد، مخل امنیت است و آنکه برآستی خطری برای بشریت است، به رغم هر خزعلی که بزبان براند، مجری امنیت و در امان!

وقتی دور خیز کرده و نگاه میکنی، پس این جنایات روزانه، پس این وارونگی های مشخص، منافع خاصی، مصالح خاصی خوابیده است. نیاز مناسبات اجتماعی خاصی به کشتار و سرکوب برای بقاء قابل مشاهده است. می کشند و به خون می کشند که تغییر نخواهی. بستر اصلی نبرد، در متن زندگی و روابط اجتماعی جوامع انسانی است، روابط و متنی وارونه و شرم آور. با این همه، طرف سومی هم هست. تا آنجا که به ایران برمیگردد، قرار بود با گرامی داشت روز معلم، روز کارگر و اول ماه مه در سایه قرار بگیرد و ترجیحاً کتمان بشود. روز معلم را روز ترور آخوند مطهری بدست همدینانش قرار داده بودند تا روز کارگر، روز تلاش کارگران برای احقاق حقوق و همبستگی جهانیانشان را تحت تاثیر بگذارند و به حاشیه برانند. اما امسال و برای همیشه،

معلم و روزش، به رغم همه کلاشیهای دینی، به کمک روز کارگر آمده است.

و قتش رسیده که کمونیزم کارگری مهر دیگری به روز کارگر بزند. محتوای خود این روز نیاز به تغییر دارد. روز کارگر دیگر نباید فقط روزی برای گرامی داشت مبارزات پیشین کارگران، روز مبارزه برای کاهش ساعات کار و باقی اصلاحات، و یا روز "ابراز وجود آنان در همه ابعاد قبلی" و یا جشن کارگران باقی بماند. لیبل و محتوای این روز نیاز به تغییر و ارتقا دارد. روزی برای تغییرات بسیار جدی تر و رادیکالتر. روزی برای شنا در گودترین بخش استخر، روزی برای دخالت انسانیت در امور جهان، روزی برای پاسخ به نیاز و میل و آرزوهای بشریت متمدن و متحیر امروز. کمونیزم کارگری پتانسیل زدن این لیبل و محتوای تازه به جنبش اعتراضی کارگران را دارد و می تواند با زدن این مهر تازه، گامی بزرگ برای رسیدن به دنیای بهتر بردارد.

تا آنجا که به ایران بر میگردد، طرفین اصلی جدل، جدل برای تغییر این "روز" عملاً در صحنه درگیرند. کارگران به اتهامات سیاسی محاکمه و محکوم میشوند، و این متقابلاً پاسخ سیاسی گرفته است. دولت احمدی نژاد، دولتی که با بند و بست و تسویه حساب داخلی به قدرت رسید را نه قطعنامه های سازمان ملل و دول بوش و بلر، که اعتصابات پیاپی کارگران، معلمان و دانشجویان زمینگیر کرده است.

اول ماه مه باید به روز دخالت کارگران در سیاست جهان، تعرض کارگران برای تغییر، آماده شدن کارگران برای تصرف قدرت سیاسی، طلب حق اصلیشان از جهان ارتقا یابد. کمونیستهای کارگری و حزبشان باید برای ارتقا این روز، به روز پیشروی کارگران برای کسب قدرت سیاسی، بیشترین سعی خود را بکنند. روز اول ماه مه امسال می تواند به یمن تحركات تا کنونی چپ، روز فراهخوان به کارگران جهت همیاری حزبشان در هر چه آماده تر شدن برای کسب قدرت سیاسی باشد. دیگر فقط ابراز وجود کافی نیست، کارگران می توانند به جای فقط سازنده بودن این صفحه ۱۰

فریاد "زنده باد پوتیه!"

از هر سو بلند بود!

بمناسبت بیست و پنجمین سال درگذشت اوژن پوتیه

مترجم: جمشید هادیان

ریخته شد به عضویت کمون انتخاب گردید. پوتیه در تمامی فعالیت های کمون، این نخستین حکومت پرولتری، شرکت داشت.

پس از سقوط کمون اجباراً به انگلستان و سپس به آمریکا گریخت. سرود مشهورش انترناسیونال را در ژوئن ۱۸۷۱ سرود - به تعبیری در فردای شکست خونین ماه مه، کمون در هم کوبیده شد، اما انترناسیونال پوتیه بذ ایده های آن را در سراسر جهان پراکنده، و امروز نهال آن سزنده تر از همیشه است.

در سال ۱۸۷۶ پوتیه در تبعید شعری سرود با عنوان از کارگران آمریکا به کارگران فرانسه. در این شعر زندگی کارگران را زیر یوغ سرمایه، فقرشان را، رنج کمزورشان را، استثمارشان را، و ایمان استوارشان به پیروزی در راهشان را به تصویر کشید.

نه سالی از شکست کمون نگذشته بود که پوتیه به فرانسه بازگشت، و بیدرنگ به حزب کارگران پیوست. دفتر اول اشعارش در ۱۸۸۴ و دفتر دوم آن، با عنوان سرودهای انقلابی، در سال ۱۸۸۷ به چاپ رسید. برخی سرودهای دیگر این کارگر شاعر پس از مرگش منتشر شد.

روز ۸ نوامبر ۱۸۸۷ کارگران پاریس پیکر بیجان اوژن پوتیه را به گورستان پرلاشز، محل دفن کموناردهای اعدام شده، حمل کردند. پلیس در تلاش برای پائین کشیدن پرچم سرخ و حبشانه به جمعیت حمله کرد. جمعیت عظیمی در این تشییع جنازه مدنی و غیررسمی شرکت کرده بودند. فریاد "زنده باد پوتیه!" از هر سو بلند بود.

پوتیه در فقر مرد. اما یادگاری از خود بجا گذاشت که برآستی از مصنوعات دست بشر پایدارتر است. او یکی از بزرگترین مروجین شعری بود. وقتی اولین سرودش را سرود تعداد کارگرن سوسیالیست به چند ده می رسید. سرود تاریخی اوژن پوتیه امروز برای ده ها میلیون پرولتر سرودی شناست.

لنین، مجموعه آثار، انگلیسی، جلد ۳۶ نخستین بار در ۳ ژانویه ۱۹۱۳، در پرودا و با امضای ن. ل. بچاپ رسید.

ماه نوامبر سال پیش، ۱۹۱۲، بیست و پنجمین سال درگذشت کارگر شاعر فرانسوی، اوژن پوتیه، سراینده سرود معروف پرولتری انترناسیونال (برخیزید، ای فلکزدگان... الی آخر) بود.

این سرود امروزه به همه زبانهای اروپایی و زبان های دیگری ترجمه شده است. هر کارگر آگاه به منافع طبقاتی خود در هر کشوری که باشد، به هر جا که دست سرنوشت پرتابش کرده باشد، هر قدر احساس غربت کند، زبان نداند، دوستی نداشته باشد، از زاد بومش دور افتاده باشد، می تواند با ترجیع بند آشنای انترناسیونال ﴿نبرد نهائی است این، گرد هم آئیم! و فردا انترناسیونال بشریت را گرد هم خواهد آورد!﴾ برای خود دوست و رفیق پیدا کند.

امروزه کارگران در همه کشورها سروده شاعر پرولتری شان، سروده رزمنده پیشتازشان را بدست گرفته اند و آن را به سرود جهانی پرولتاریا مبدل ساخته اند. کارگران جهان خاطره اوژن پوتیه را بدینسان گرامی می دارند.

همسر و دختر او هنوز زنده اند و در فقر بسر می برند، همچنان که سراینده انترناسیونال خود در تمام طول عمر بسر برد. اوژن پوتیه روز ۴ اکتبر ۱۸۱۶ در پاریس بدنیا آمد. چهارده ساله بود که اولین سرودش، زنده باد آزادی، را سرود. در ۱۸۴۸ در باریکادهای پیکار کبیر کارگران علیه بورژوازی پیکار کرد.

او در خانواده ای فقیر چشم به جهان گشود، و در سراسر عمر مردی فقیر، یک پرولتر، باقی ماند. معاشش را نخست از راه کار بسته بندی و سپس کار کپی تقوش بر منسوجات تأمین می کرد.

از سال ۱۸۴۰ بعداً با سرودهای رزمنده اش در همه رویدادهای بزرگ حیات فرانسه دخالت کرد. در این سرودها آگاهی را در عقب ماندگان بیدار می کرد، کارگران را به اتحاد فرامی خواند، و بورژوازی و دولت های بورژوازی فرانسه را به باد انتقاد می گرفت و گوشمالی می داد.

در ایام کمون کبیر پاریس (۱۸۷۱) پوتیه با ۳۳۵۲ رای از مجموع ۳۶۰۰ رأی که به صندوق



جمشید هادیان
jhadian@rogers.com

ترجمه شاملوست، با عنوان سرود بین‌الملل. جای صحبت از آن طبعاً در اینجا نیست. اما شاید کسی بخواهد در این رابطه صحبتی بکند. نمونه متفاوتی که ما در اینجا ارائه دادیم شاید زمینه ای برای چنین صحبتی فراهم آورد.

سرودها، یا ترجمه‌های اقتباسی برای آهنگ، گاه حتی تا مثلاً گنجاندن اشاراتی به انقلاب ۱۹۱۷ در روسیه، پیش رفته‌اند؛ مانند سرودی که در سال ۱۹۳۵ توسط گروه کری بنام خوانندگان نو (The New Singers) در نیویورک ضبط و منتشر شده است. پس اطلاع توده‌های مردم از این شعر از لحاظ کیفی نیز محدود و ناقص است.

ثالثاً، تا آنجا که ما با خیریم، در زبان فارسی جز ترجمه لاهوتی (تمام شش بند) که امروزه خوانده می‌شود، تنها یک ترجمه فارسی دیگر از این شعر وجود دارد. این ترجمه ظاهراً تلاشی است نه بمنظور ارائه شعری قابل اجرا در موسیقی بلکه به همین منظوری که ما در اینجا داریم. و آن

اینهاست:
اولاً، آنها که به هر زبانی با سرود انترناسیونال آشنایند، تقریباً همیشه تنها سه بند از شش بند آن به گوششان خورده و اطلاعاتش از آن در همین حد محدود کمی بوده است. ثانیاً، آنچه در این ترجمه‌ها به زبان‌های مختلف بدست داده شده ترجمه‌های تنظیم شده برای آهنگ بوده است. در این ترجمه‌ها، طبعاً، شاعران دست خود را در تغییر کلمات تا حد بسیار زیادی باز گذارده. و گاه حتی، بسته به درکشان از مضامین مارکسیستی شعر، از آن فواصل غریبی گرفته‌اند. این

و سرود انترناسیونال دنیا آمد!

تعبیر لنین "در فردای شکست خونین ماه مه" کمون پاریس سرود. هفده سال بعد Pierre Degeyter برای این شعر آهنگی ساخت، و سرود انترناسیونال به این ترتیب دنیا آمد. منظور ما از ترجمه لغت به لغتی که در اینجا از شعر این سرود بدست داده‌ایم، در یک کلام آگاه کردن خوانندگان فارسی زبان از مضمون دقیق، و حتی الامکان لغت به لغت خود شعر است. و به این منظور به ترجمه لغت به لغت انگلیسی اکتفا نکرده و در موارد اختلاف متن فرانسه را مبنا قرار داده‌ایم. دلایل ما برای ارائه این کار

مقدمه مترجم
روز ۴ سپتامبر ۱۸۷۱ در پاریس جمهوری اعلام شد، و از ۱۸ مارس تا ۲۸ مه ۱۸۷۱ کارگران و شهروندان رادیکال در این شهر "کمون" برقرار کردند. کمون به نشر ایده اصلاحات رادیکال مانند قانونگذاری بدست کارگران، حقوق برابر برای زنان، میلیس مردمی پرولتاری، کنترل بر قیمت‌ها، و سوادآموزی اجباری پرداخت. کمون با کمک نیروی نظامی دولت پروس سرنگون شد. اوژن پوتیه که عضو و فعال کمون بود شعر سرود انترناسیونال را به

سرود انترناسیونال

ترجمه از متن ترجمه انگلیسی لغت به لغت از اصل فرانسه

مترجم: جمشید هادیان

برخیزید، ای فلک زدگان!
برخیزید، ای در بند گرسنگی اسپران!
خرد در دهانه آتشفشان در غرش است،
این آتشفشان ناگزیر آخر است،
لوح از نقش گذشته پاک کنیم!
مردمان، بردگان، بپا خیزید! بپا خیزید!
زیرینای جهان در تحول است،
و ما که هیچیم همه چیز خواهیم شد!
نبرد نهائی است این،
گرد هم آئیم!
و فردا
انترناسیونال
بشریت را گرد هم خواهد آورد!

نه ناجی اعظم و اعلائی در اندیشه نجات ماست، نه خدائی، نه قیصری، نه جرجهای*
کارگران! ما خود باید به نجات خویش برخیزیم!
بیانید فرمان رهائی و خوشبختی همگانی صادر کنیم،
تا دزد گردن به اختیار پیش آورد،
تا ذهن به سیاهچال افتاده نجات یابد
در کوره آهنگری‌مان خود بدمیم،
و آهن را تا داغ است بکوبیم!
نبرد نهائی است این،
گرد هم آئیم!
و فردا
انترناسیونال
بشریت را گرد هم خواهد آورد!

دولت سرکوب می‌کند، و قانون کلاهبرداری،
زالوی مالیات خون محنت‌کشان را می‌مکد،
هیچ وظیفه‌ای بر عهده اغنیا نیست،
حقوق فقرا عبارتی تو خالی بیش نیست،
بس است دیگر در کنج حبس پوسیدن
برابری قوانین دیگری می‌خواهد،
که حق بدون وظیفه و بدون حق را در آن جائی نباشد!
نبرد نهائی است این،
گرد هم آئیم!

و فردا

انترناسیونال

بشریت را گرد هم خواهد آورد!

جلال و جبروت سلاطین معادن و راه آهن منظره کراختباری است،
چه اینان هیچگاه کاری جز دزدیدن کار ما نکرده‌اند،
شمش‌های درون خزائن این جماعت حاصل کارهای ماست که ذوب و در هم آمیخته‌اند
مردم با اعلام فرمان استرداد این اموال،
چیزی بیش از حق خود مطالبه نمی‌کنند
نبرد نهائی است این،
گرد هم آئیم!

و فردا

انترناسیونال

بشریت را گرد هم خواهد آورد!

شاهان ما را به هوی‌های دروغین تخدیر می‌کنند
صلح کنیم با خود، جنگ کنیم با جباران!
در ارتش‌ها اعلام اعتصاب کنیم،
لوله تفنگ‌ها را رو بالا بگیریم، صفوفشان را در هم بریزیم!
این آدمی‌خواران اگر عزم قهرمان ساختن از ما کنند،
دیری نخواهد پائید که درمی‌یابند گلوله‌های ما برای زئرال‌های خودی است
نبرد نهائی است این،
گرد هم آئیم!

و فردا

انترناسیونال

بشریت را گرد هم خواهد آورد!

ما کارگرانیم، ما برزیگرانیم، ما اردوی عظیم زحمتکشانییم
کره زمین متعلق به انسانهاست،
بیکارگان باید جای دیگری بدنبال مسکن باشند
بساط سور و سات اینان از گوشت تن ما بر پا است
اما چون این کرکسان و لاشخوران در روزی از همین روزها ناپدید شوند،
خورشید جاودانه خواهد درخشید

نبرد نهائی است این،

گرد هم آئیم!

و فردا

انترناسیونال

بشریت را گرد هم خواهد آورد!

* Tribune - عنوانی برای هیئتی متشکل از دو یا سه قاضی منتخب با یا بدون سایر مقامات نظامی یا شبه‌نظامی در جمهوری و امپراطوری رم. نام آن در اصل مشتق از هیئت نمایندگان قبایل (tribi) بود که مردم بنظرهای نظامی و رای‌گیری به آنها تقسیم شده بودند؛ چیزی درست شبیه لویه جرگه در افغانستان.

به دانشجویان سراسر کشور

نهم اردیبهشت کلاس ها را تعطیل کنید!

دانشجویان سراسر کشور، همزمان!

اکنون زمان اتحاد سراسری علیه جمهوری اسلامی است. اتحاد سراسری دانشجویان، اتحاد سراسری کارگران، اتحاد سراسری معلمان و در واقع اتحاد سراسری همه مردم انقلابی و آزادیخواه علیه جمهوری اسلامی. اعتصاب معلمان در ۹ اردیبهشت این امکان را فراهم آورده است که بطور سراسری در مقابل جمهوری اسلامی و در دفاع از خواست های بحق معلمان در صنف یکدست به میدان بیاییم. معلمان کلاس ها را در روز ۹ اردیبهشت تعطیل میکنند، ما هم در سراسر کشور کلاس ها را تعطیل کنیم. همه میدانیم که دانشجویان از مشهد تا مازندران، از خرم آباد تا تبریز و سنجند و تهران و اصفهان آماده به میدان آمدن علیه دخالت های مذهبی و پلیسی در دانشگاه در ابعاد سراسری و توده ای هستند. این در شرایطی است که زنان و جوانان

محکم در برابر حملات رژیم برای تحمیل حجاب ایستاده اند و در شرایطی است که اول مه نزدیک و جنبش و جوش زیادی در بین کارگران در جریان است و ما نیاز به وسیعترین اتحاد کارگران و معلمان و مردم آزاده داریم. ما یک اول مه بسیار قدرتمند و سوسیالیستی می خواهیم! دانشجویان باید نقش دخالتگری سیاسی و سراسری خود را در این اوضاع جدی بگیرند. در واقع حمایت سراسری از اعتصاب معلمان فرصت مغتنمی است که یک اتحاد و همبستگی قدرتمند برای آزادی و برابری، برای سوسیالیسم و حرمت انسانی را به نمایش بگذاریم. اعتصاب سراسری حمایتی دانشجویان به سهم خود مبارزه معلمان را به شدت تقویت خواهد کرد و به خط رادیکال در مبارزه معلمان دست بالا خواهد داد و میتواند فصل جدیدی در مبارزه آنها و در پیشروی جنبش انقلابی برای سرنوشتی

جمهوری اسلامی باز نماید. باید حساسیت اوضاع را دریافت و فعالانه برای تعطیل کلاس ها در ۹ اردیبهشت و متحد شدن سراسری در دفاع از معلمان به میدان آمد. همانطور که حزب اعلام کرده است بگذار جمهوری اسلامی بداند اگر خواسته های معلمان (که خواسته های همه است) را ندهد نه فقط مدارس که دانشگاه تعطیل خواهد شد! روز ۹ اردیبهشت کلاس ها را تعطیل کنید و "گروه های دانشجویی حمایت از معلمان" تشکیل دهید و به مدارس سطح شهر بروید و از جانب دانشجویان سراسر ایران برای معلمان گل و شیرینی ببرید، از اعتصاب آنها حمایت کنید و آنها را شرکت وسیع به اجتماعات اول مه در ۱۱ اردیبهشت دعوت کنید.

زنده باد حمایت سراسری دانشجویان از معلمان زنده باد اول مه هر چه وسیعتر و سوسیالیستی تر گ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی سازمان جوانان کمونیست

۶ اردیبهشت ۸۶، ۲۶ آپریل ۲۰۰۷

جهان متمدن و بشریت آزاده صحبت کند و آنها را به حمایت از مبارزه مردم ایران برای رهایی از شر رژیم اسلامی و گرفتن اختیار بدست خود فرا بخواند. محور کنگره ششم کسب آمادگی هرچه بیشتر حزب برای سازمان دادن خود و مردم حول سرنوشتی جمهوری اسلامی و کسب قدرت سیاسی است. اما همه نکته این است که این وظیفه معین کمونیست ها در ایران صرفا یک وظیفه کشوری و بقول مانیفست صرفا تعیین تکلیف با بورژوازی خودی نیست. بلکه در عین حال وجه بین المللی بسیار تعیین کننده ای دارد. اگر ما بتوانیم جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم و قدرت را بدست بگیریم، تاثیرمان بر وقایع جهانی و به حرکت درآوردن موج عظیمی از چپ و رادیکالیسم و آزادیخواهی به مراتب عظیم تر از هر واقعه ای است که میشناسیم. به این اعتبار من فکر میکنم که کنگره ششم باید به این واقعیت توجه داشته باشد که میتواند نقطه شروعی برای یک انترناسیونال نوین کارگری و کمونیستی باشد. *

از صفحه ۷ نامه ها

انترناسیونال ۱۲ صفحه باشد. باز هم تشکر از توجه محسن ابراهیمی

با عرض سلام و خسته نباشید

لطفان نسبت به تصحیح وقت برنامه تلویزیون کانال جدید اقدام کنید. در مجله انترناسیونال وقت برنامه

تلویزیون ۱۱ و نیم تا ۱۲ و نیم ظهر درج شده در حالیکه این برنامه در ساعت ۱۰ و نیم تا ۱۱ و نیم پخش میگردد.

دوست عزیز سلام و خسته نباشید

نکنه شما با مسئولین تلویزیون انترناسیونال در میان گذاشته شد. تلویزیون انترناسیونال در همان ساعاتی که اعلام شده است پخش میشود. اطلاعیه زمان پخش انترناسیونال در همین شماره مجددا چاپ شده است.

انترناسیونال

باسلام رفیق محسن ابراهیمی الان داشتم انترناسیونال را

میخواندم. خسته نباشید. ولی در قسمت پاسخ به نامه ها به شمه صلواتی قول داده اید که تا هفته آینده اطلاعیه کتاب شعرها را در انترناسیونال درج میکنید. به نظر اصلا درست نیست. این کار ما آنهم در انترناسیونال هفتگی مان نیست! لطفا این کار را نکنید. شعرا و نویسندگان در حزب وحی در سطح مشاهیر این عرصه در جامعه بنا به بیان رفیق منصور حکمت متعلق به عرصه گسترده تری هستند و ما آنها را محصور در شعر و کتابشان نمیکنیم و در واقع شعر آنها و کتاب

محسن ابراهیمی

از صفحه ۸ این جهان وارونه را...

جهان، حاکمان انسانی آن باشند. اول ماه مه امسال برای کارگران باید روز اعتراض به جنگ و بمب، روز نه به وضع و نظم موجود باشد و این مستقیما به جسارت کمونیستهای کارگری و حزب پیشرو آنان بر می گردد. اول ماه مه امسال می تواند با پلاتفرم دعوت کارگران برای تعرض به قدرت سیاسی، یک قله

دیگر در مبارزات کارگران جهان باشد. میتواند روز اعلام حضور یک مدعی قدرت، در عرصه سیاست جهان باشد. امسال، هوا می تواند برای اقلیت حاکم جهان، به سختی مه آلود باشد! کارگران جهان متحد شوید تا مدعی قدرتمندتری برای کسب قدرت سیاسی باشید! *

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

قابل توجه شرکت کنندگان در کنگره ۶ حزب

برای ثبت نام و پذیرش در کنگره به نکات زیر توجه کنید:

۱- همه کسانی که در کنگره شرکت میکنند لازم است فرم ثبت نام کنگره را پر کنند و برای دفتر مرکزی حزب ارسال دارند. از پذیرش کسانی که ثبت نام نکرده اند، معذوریم.

۲- فرم ۱ ویژه ثبت نام نمایندگان کنگره و فرم ۲ برای غیر نمایندگان است.

۳- پس از ثبت نام و پرداخت هزینه ورودی، فرم ۳ را هم پر کنید. فرم ها را به آدرس دفتر مرکزی حزب ارسال کنید. برای آدرس و تلفن تماس با دفتر مرکزی به فرم ثبت نام توجه کنید!

۴- هزینه ورودی خود را در یکی از شماره حسابهای زیر واریز کنید. در برگه واریز بنویسید کنگره.

۵- نمایندگان سازمان های حزب از آمریکا و کانادا از پرداخت

ورودی معاف اند.

۶- کنگره دو روزه است. هر دو روز کنگره از ساعت ۹ صبح شروع و تا ساعت ۷ عصر ادامه دارد. بلیط رفت و برگشت را طوری تنظیم کنید که یک روز پیش از کنگره در محل باشید و همچنین تا پایان وقت کنگره، یعنی ساعت ۷ عصر یکشنبه در محل بمانید.

کنگره ششم حزب

در ماه مه برگزار میشود کنگره علنی است و ورود برای عموم آزاد خواهد بود

کنگره ششم حزب کمونیست کارگری در روزهای ۲۶ و ۲۷ مه برگزار به شکل علنی برگزار میشود و ورود برای همه علاقمندان آزاد است.

علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنگره حزب شرکت کنند و از نزدیک با اعضای رهبری و کادرهای حزب و با مکانیزم های تصمیم گیری در اجلاس عالی ترین ارگان حزب آشنا شوند.

کنگره ششم حزب در یکی از متحول ترین شرایط سیاسی در ایران برگزار میشود و در آن مسائل مهمی مورد بحث و تصمیم گیری قرار خواهد گرفت. از علاقمندان به حزب و همینطور از همه احزاب سیاسی، رسانه ها و فعالین سیاسی دعوت میکنیم در این کنگره حضور یابند. دفتر مرکزی حزب دعوت نامه هائی برای لیستی از احزاب و سازمانهای اپوزیسیون و رسانه ها برای شرکت در کنگره ارسال خواهد کرد.

اصغر گرمی
رئیس هیئت دبیران حزب کمونیست کارگری ایران
۳ آوریل ۲۰۰۷

علاقمندان میتوانند برای شرکت در کنگره حزب با آدرس های زیر تماس بگیرند و ثبت نام کنند:

دفتر مرکزی حزب
سیامک بهاری
شماره تلفن
0046 739318404
فاکس
0046 64897168
markazi.wpi@gmail.com
آدرس پستی:
I.K.K:
Box: 2110
127 02 Skärholmen - Sweden

اطلاعات مربوط به سفر شرکت کنندگان در کنگره ۶

نام و نام فامیل
کشور
تاریخ ورود
ساعت ورود
محل ورود (فرودگاه، ایستگاه قطار، ...)
چند نفر با هم سفر میکنند؟
وسیله ای که با آن سفر میکنید (هواپیما، قطار، اتوبوس، ماشین شخصی)
آیا به لحاظ غذائی محدودیت دارید (وجیتترین و یا ...)
نام و مشخصات کودکان و نوجوانانی که همراه شما هستند
آیا هزینه ورودی کنگره را پرداخت کرده اید؟

توضیحات ضروری دیگر:

فرم را پس از تکمیل به دفتر مرکزی ارسال کنید.

ایمیل و تلفن دفتر مرکزی حزب:
markazi.wpi@gmail.com
0046 73 931 8404

قابل توجه
نویسندگان
انترناسیونال
آخرین زمان دریافت مطلب:
چهارشنبه ۱۰ شب
بوقت اروپای مرکزی
حجم مطلب:
۱ صفحه و نیم آ۴،
فونت ۱۴، فاصله نرمال
word
مطالبی که بعد از این
زمان دریافت شوند، در
صورت کهنه نشدن
موضوع در شماره های
بعد مورد استفاده قرار
خواهند گرفت.

قابل توجه شرکت کنندگان در کنگره ۶ حزب کمونیست کارگری ایران

هزینه شرکت در کنگره و نحوه پرداخت آن

- ۱- هزینه کنگره بدون محل خواب برای دو روز کنگره معادل ۷۰۰ کرون، ۷۵ یورو، ۱۰۵ دلار آمریکا، ۱۱۵ دلار کانادا و یا ۵۰ پوند انگلیس میباشد. (هزینه شامل ورودی سالن، دو نهار، سرویس قهوه و چای میباشد)
- ۲- هزینه کنگره با محل خواب برای هر فرد برای دو روز ۱۳۰۰ کرون سوئد، ۱۴۰ یورو، ۲۰۰ دلار آمریکا، ۲۱۵ دلار کانادا و یا ۱۰۰ پوند انگلیس، میباشد. (هزینه شامل ورودی سالن، دو شب محل خواب، دو صبحانه، دو نهار، دو شام و سرویس قهوه و چای میباشد)
- ۳- هزینه مهد کودک و نگه داری کودکان ۲ تا ۱۲ سال برای دو روز کنگره معادل ۴۰۰ کرون سوئد میباشد. هزینه ورودی را تا پایان ماه آوریل در یکی از ۴ حساب زیر واریز کنید. لطفا موقع واریز پول بنویسید: کنگره و در یاداشتی به آدرس دفتر مرکزی اطلاع دهید که پول را واریز کرده اید.

شماره حساب ها برای واریز هزینه کنگره

آلمان
Konto-Nr.: 894922303
Konto-Inhaber: Darijush Safa
BLZ: 25010030
Postbank Hannover

کانادا
M. Radfar
Scotiabank
Account# 7454929
Branch # 71829
Institution # 002
Address: 14696 (BLT)
Markham, Ontario

سوئد
Pg 639 60 60-3 IKK

انگلیس

bank name: NATWEST
Acc. No: 20 58 38 42
sort code: 56 00 03
Acc. name: ELS

ویژه ثبت نام نمایندگان کنگره

نام و نام فامیل
کشور و شهر
تلفن تماس
ایمیل
آیا کودک همراه دارید؟ اگر جواب مثبت است اسامی و سن آنها را بنویسید.
آیا برگ تسویه حساب حق عضویت تان را از کمیته کشورتان گرفته اید؟
فرم را پس از تکمیل به دفتر مرکزی ارسال کنید.
ایمیل و تلفن دفتر مرکزی حزب:
markazi.wpi@gmail.com
0046 73 931 8404

ویژه ثبت نام در کنگره (عمومی)

نام و نام فامیل
کشور و شهر
تلفن تماس
ایمیل
آیا کودک همراه دارید؟ اگر جواب مثبت است اسامی و سن آنها را بنویسید.

فرم را پس از تکمیل به دفتر مرکزی ارسال کنید.
ایمیل و تلفن دفتر مرکزی حزب:
markazi.wpi@gmail.com
0046 73 931 8404

یکشنبه ۹ اردیبهشت، با گل به استقبال اعتصاب عمومی معلمان برویم

اسلامی بداند که معلمان پشتیبانی می‌یونتها انسان به جان آمده را پشت سر خود دارند!

مبارزه معلمان شایسته گرمترین پشتیبانی‌ها است. باید پیروز شود. و حمایت گسترده ما نقش مهمی در پیروزی آن و پیشروی مبارزه علیه جمهوری اسلامی خواهد داشت. اعتصاب قدرتمند معلمان ضامن یک اول مه توده ای و باشکوه در سراسر کشور است.

مرکز بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ آوریل ۲۰۰۷، ۴ اردیبهشت ۱۳۸۶

تعطیل کنیم. بگویم تا وقتی خواست های معلمان داده نشود نه فقط مدرسه که دانشگاه هم تعطیل است!

روز ۹ اردیبهشت، در کارخانه ها و ادارات و بیمارستانها به هر شکل که میتوانیم این اعتصاب را مورد پشتیبانی گرم خود قرار دهیم. در محل کار خود مجمع عمومی تشکیل دهیم، اجتماع کنیم و خواهان تحقق فوری مطالبات معلمان و آزادی فوری و بی قید و شرط معلمان و همینطور کارگران و دانشجویان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی شویم. بگذار جمهوری

دانش آموزان باید شاهد صحنه های پرشور اتحاد و همبستگی مردم و والدین دانش آموزان با معلمان باشند. این بزرگترین آموزش برای دانش آموزان است.

روز ۹ اردیبهشت، مدارس باید صحنه حضور زنان و مردانی باشد که به نمایندگی از همکاران و هم کلاسی ها و هم کارخانه ای های خود با پیام اعلام همبستگی و گل و شیرینی به دیدار معلمان اعتصابی میروند.

روز ۹ اردیبهشت، همزمان با اعتصاب معلمان، در دانشگاهها نیز اعلام اعتصاب کنیم و کلاس ها را

کارگری، مبارزات دانشجویی و مقاومت جوانان در برابر حجاب و محدودیت های اسلامی، رژیم را به وحشت انداخته و شکاف های درون حکومت را تشدید کرده است. مبارزه معلمان هم اکنون ستون اصلی اعتراض جامعه به جمهوری اسلامی است. این مبارزه را باید با تمام قوا تقویت کنیم.

روز ۹ اردیبهشت با شاخه های گل به مدارس برویم و حمایت و همبستگی خود را با اعتصاب معلمان ابراز کنیم.

روز ۹ اردیبهشت معلمان و

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان سراسر کشور، معلمان سراسر کشور را به اعتصاب عمومی در روز ۹ اردیبهشت فراخوان داده است. کانون صنفی همچنین روز ۱۲ اردیبهشت فراخوان به برگزاری تجمعات اعتراضی در مقابل ادارات آموزش و پرورش در شهرستانها و روز ۱۸ اردیبهشت به تجمع در مقابل مجلس داده است.

مبارزه معلمان شروع دوره ای تازه از مبارزات توده ای علیه رژیم اسلامی است. پیروزی این مبارزه، پیروزی همه مردم است. تا همینجا مبارزه معلمان، در کنار اعتصابات

اطلاعیه شماره ۲۸، اعتراض معلمان

افزایش ۸۰ و ۹۰ هزار تومان به حقوق معلمان دردی دوا نمیکند

یکبار دیگر اول مه برای کارگران تعطیل رسمی اعلام شد!

جوانان در مقابل سرکوبگری های رژیم در جریان است، و بویژه گسترش نفوذ سوسیالیسم در جنبش کارگری و سایر جنبش های اعتراضی، عامل این عقب نشینی رژیم است.

اما اول مه روز جهانی کارگر باید بعنوان تعطیل عمومی و رسمی در جامعه اعلام شود و نه فقط شامل کارگران بلکه شامل همه آحاد جامعه بشود. علاوه حق بی چون و چرای کارگران و مردم برای برپائی مراسم های مستقل اول مه باید به رسمیت شناخته شود، محمود صالحی فعال اول مه فوراً و بی قید و شرط از زندان آزاد شود و پرونده فعالین اول مه سقز فوراً مختومه اعلام گردد.

اعلام تعطیل رسمی اول مه برای کارگران از جانب وزیر کار حکومت، نشانه آشکاری از فشار جنبش کارگری و سوسیالیستی بر جمهوری اسلامی و پیشروی این جنبش است. حزب کلیه کارگران و مردم آزادیخواه را به گسترش مبارزه برای مطالبات عادلانه خود، حمایت قاطعانه از مبارزات جاری معلمان و تشدید فعالیت برای برپائی یک اول مه تاریخی در روز یازده اردیبهشت امسال فرامیخواند.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر
مرکز بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ آوریل ۲۰۰۷، ۵ اردیبهشت ۱۳۸۶

امروز وزیر کار و امور اجتماعی، سید محمد جهرمی، اعلام کرد که یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر برای همه کارگران کشور تعطیل رسمی است. اینرا کارگران یکبار دیگر در زمان تصویب قانون کار در سال ۱۳۶۹ به جمهوری اسلامی تحمیل کرده بودند و رژیم مجبور شده بود در قانون کار آنرا بعنوان تعطیل رسمی کارگران اعلام کند. اما عملاً در اکثر مراکز کارگری اجرا نمیشد. اعلام این مساله توسط وزیر کار و درست در آستانه اول مه، ناشی از فشار تحرك اعتراضی کارگران و کل مردم آزادیخواه در این مقطع است.

قطعا برای رژیمی که محمود صالحی فعال اول مه سقز را به زندان انداخته است، برای رژیمی که شش نفر دیگر از فعالین اول مه سقز را دادگاهی کرده و برایشان پرونده سازی کرده است، برای رژیمی که صدها فعال کارگری را دستگیر و اعدام کرده، اعتصابات کارگری را به گلوله بسته و کارگران و مردم را از هرگونه حق و حقوقی محروم کرده است، این یک عقب نشینی و برای طبقه کارگر و مردم تشنه آزادی یک پیروزی محسوب میشود و موجب تحرك گسترده تر مردم و تحمیل عقب نشینی های بیشتر به رژیم خواهد شد. موج اعتراضات مردم، اعم از کارگران و معلمان و دانشجویان و مقاومت گسترده ای که توسط زنان و

معلمان را فرامیخواند که روز یکشنبه ۹ اردیبهشت متحد و یکپارچه دست به اعتصاب بزنند و پاسخ حدال عادل را با اعتصاب سراسری و قدرتمند خود بدهند. عقب نشینی جمهوری اسلامی و اعلام افزایش حقوق ۸۰، ۹۰ هزار تومان، ترس و وحشت رژیم از تداوم اعتراضات معلمان را بیشتر آشکار کرد. وقت آن است که ابعاد اعتصاب و تجمعات اعتراضی را با تمام قدرت گسترش دهیم. وقت آن است که تمام جامعه یکپارچه از معلمان حمایت کند و جمهوری اسلامی را به عقب نشینی هرچه بیشتر وادار کند.

مرکز بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ آوریل ۲۰۰۷، ۵ اردیبهشت ۱۳۸۶

تومان به معلمی که زیر ۳۰۰ هزار تومان حقوق میگیرد، هنوز این حقوق زیر خط فقر است. معلمان با صدای بلند در تجمعات دهها هزار نفره خود اعلام کرده اند که منزلت و معیشت حق مسلم آنها است و بر عدالت اجتماعی برای کل جامعه تاکید کرده اند. جمهوری اسلامی به عبت تصور میکند که با این درجه از عقب نشینی، معلمان را راضی و خانه نشین میکند.

روز یکشنبه ۹ اردیبهشت روز اعتصاب عمومی معلمان و روزهای ۱۲ و ۱۸ اردیبهشت، به ترتیب روز تجمع در مقابل ادارات آموزش و پرورش و تجمع در مقابل مجلس است.

حزب کمونیست کارگری همه

حداد عادل رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که ۸۰ تا ۹۰ هزار تومان به معلمانی که حقوقشان زیر ۳۰۰ هزار تومان است، اضافه میشود. صرفنظر از اینکه این یک وعده است یا واقعا اجرا میشود، معلمان با این چندرغاز افزایش دستمزد دست از تداوم مبارزه بر نخواهند داشت.

معلمان خواهان دستمزدی بسیار بالاتر از رقم کنونی هستند. از ۶۰۰ هزار تومان و ۸۰۰ و ۹۰۰ هزار و یک میلیون صحبت میکنند. خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه معلمان دستگیرشده، تامین فوری مسکن و آزادی بیان و اعتصاب و تجمع و تشکل هستند. حتی با احتساب افزایش ۸۰، ۹۰ هزار

اول ماه مه را در تورونتو جشن میگیریم

سخنرانان:

محسن ابراهیمی: عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
سمیر نوری: عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری چپ عراق
جان کلارک: رهبر اتحاد بر علیه فقر در انتاریو
بروس آلن: از اتحادیه صنعت اتومبیل سازی کانادا

موزیک و رقص: دی جی و خواننده افتخاری دانا چاوشین

زمان: شنبه ۵ مه ۲۰۰۷ ساعت ۷ بعد از ظهر

مکان: نورت یورک مموریال کامیونیتی هال - ۵۱۱۰ یانگ استریت - گلد روم (طبقه Concourse)

ورودی ۵\$ (با شام)، برای افراد زیر ۱۶ سال رایگان

تلفن تماس: ۴۱۶۳۵۸۹۶۰۰

حزب کمونیست کارگری ایران - تشکلات شرق کانادا
حزب کمونیست کارگری چپ عراق - تشکلات کانادا